

Qualitative Analysis of Faculty Members' Perceptions of Creative University: A Path to Educational Innovation

Ali. Aminibagh¹, Jamal. Salimi^{2*}

¹ PhD Student of Higher Education Development Planning, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

² Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

* Corresponding author email address: j.salimi@uok.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Aminibagh, A., & Salimi, J. (2025). Qualitative Analysis of Faculty Members' Perceptions of Creative University: A Path to Educational Innovation. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 31(2), 45-66.



© 2025 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

ABSTRACT

In today's world, the concept of the creative university is emerging as a new educational and research paradigm that seeks to promote creativity, innovation, and collaboration between faculty and students. These types of universities strive to create a dynamic and inspiring environment with the aim of responding to complex social and economic challenges. In this regard, faculty members' perception of the concept of the creative university can play an important role in the formation and development of this paradigm. This qualitative study investigated faculty perceptions of the creative university concept at the University of Kurdistan, Sanandaj. Employing a grounded theory approach grounded in Charmaz's constructivist perspective, semi-structured interviews (telephone and in-person) and written questionnaires were used to gather data from 13 purposefully selected faculty members across diverse disciplines. Data collection continued until theoretical saturation was reached. Charmaz's three-stage coding process (open, axial, and selective coding) was applied, aided by MAXQDAv2020 software, to identify core categories. Findings revealed that faculty associate a creative university with cultural dynamism, a civilization-building ethos, rational discourse, aspirational capacity-building, scientific vibrancy, and self-governance. Empowering strategies identified included functional agency, international engagement, civil dialogue, prioritizing activism, enhanced university vitality, and a robust knowledge cycle. The study highlights the crucial role of dynamic culture and active engagement in fostering creativity and innovation within universities, emphasizing the synergistic interplay of internal (cultural, attitudinal) and external (international collaboration, dialogue) factors in realizing the creative university ideal.

Keywords: Creative University, faculty members, grounded theory of constructivism, Higher education



تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

پذیرفته شده در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۴۰۳

منتشر شده در تاریخ ۱ تیر ۱۴۰۴

فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی

دوره ۳۱، شماره ۲، صفحه ۶۶-۴۵



شاپای الکترونیکی: ۲۲۰۱-۲۷۱۷

تحلیل کیفی ادراکات اعضای هیئت علمی از دانشگاه خلاق:
راهی به سوی نوآوری آموزشیعلی امینی باغ^۱، جمال سلیمی^۲

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

*ایمیل نویسنده مسئول: j.salimi@uok.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله

پژوهشی/اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

امینی باغ، علی، و سلیمی، جمال. (۱۴۰۴).
تحلیل کیفی ادراکات اعضای هیئت علمی از
دانشگاه خلاق: راهی به سوی نوآوری آموزشی.
فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش
عالی، ۳۱(۲)، ۶۶-۴۵.



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله
متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله
به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی
(CC BY 4.0) صورت گرفته است.

در دنیای امروز، مفهوم دانشگاه خلاق به عنوان یک الگوی نوین آموزشی و پژوهشی در حال شکل‌گیری است که به دنبال ارتقاء خلاقیت، نوآوری و همکاری میان اعضای هیئت علمی و دانشجویان می‌باشد. این نوع دانشگاه‌ها با هدف پاسخگویی به چالش‌های پیچیده اجتماعی و اقتصادی، سعی در ایجاد محیطی پویا و الهام‌بخش دارند. در این راستا، ادراک اعضای هیئت علمی از مفهوم دانشگاه خلاق می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه این الگو ایفا کند. مطالعه حاضر ادراک اعضای هیئت علمی از مفهوم دانشگاه خلاق را مورد واکاوی قرار داده است. رویکرد تحقیق کیفی و به طور خاص از راهبرد گراند تئوری ساخت‌گرای چارمز استفاده گردید. مشارکت‌کنندگان تحقیق، استادان دانشگاه کردستان شهر سنندج در چندین رشته‌ی مختلف بودند. نمونه‌گیری به شیوه‌ی هدفمند انجام گردید. با رعایت حداکثر تنوع و تا اشباع نظری داده‌ها با ۱۳ نفر از اعضای هیئت علمی، منشور مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته (تلفنی، حضوری) و ارسال سؤالات به صورت مکتوب ادامه داشت. داده‌ها پس از پیاده‌سازی به شیوه کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، کانونی و انتخابی) چارمز انجام گرفت. همچنین از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA v2020 جهت خروجی مقوله‌های محوری پژوهش نیز استفاده به عمل آمد. در ارتباط با سؤال اول پژوهش نتایج گویای آن بود که مؤلفه‌های دانشگاه خلاق می‌تواند شامل پویایی فرهنگی، نگرش تمدن‌ساز، گفت‌وگو، عقل‌گرا و منطق‌گرا، ظرفیت‌ساز آرزومندی، نشاط علمی و خودتنظیمی و خودراهبری باشد. همچنین در ارتباط با سؤال دوم پژوهش یافته‌ها نشان داد که راهبردهای توانمندسازی دانشگاه خلاق شامل بایستگی کارکردی عاملیت، عضویت‌یافتن در جامعه بین‌المللی، انجام تمرین مدنیت و گفت‌وگو، ارجحیت کنشگری بر نظاره‌گری، تقویت حیات‌مندی دانشگاه، مجهز کردن به چرخه دانش می‌باشد. در نتیجه اهمیت ایجاد فرهنگی پویا و حمایت از کنشگری فعال در دانشگاه‌ها برای دستیابی به خلاقیت و نوآوری مورد تأکید و باید مورد توجه قرار بگیرد. و باید اذعان داشت که تحقق دانشگاه خلاق مستلزم ترکیبی از مؤلفه‌های درونی (فرهنگ، نگرش، ...) و راهبردهای بیرونی (مشارکت جهانی، گفت‌وگو، ...) است.

کلیدواژه‌گان: دانشگاه خلاق، اعضای هیئت علمی، گراند تئوری ساخت‌گرا، آموزش عالی.



مقدمه

خلاقیت در دهه گذشته تحت عناوین و اصطلاحات جدیدی نظیر اقتصاد خلاق، طبقه خلاق، شهروند خلاق، عصر خلاق، صنایع خلاق و شهرهای خلاق توسعه یافته است (Means, 2013). خلاقیت به توانایی تولید ایده‌ها یا راه‌حل‌های جدید و مفید اشاره دارد. این فرآیند شامل تفکر خارج از چارچوب و ترکیب ایده‌های موجود به روش‌های نوین است (Kalar, 2020). نوآوری، از سوی دیگر، به پیاده‌سازی و اجرای این ایده‌های خلاقانه در عمل اشاره دارد. به عبارت دیگر، خلاقیت می‌تواند به تولید ایده‌های جدید منجر شود، اما نوآوری به معنای تبدیل این ایده‌ها به محصولات، خدمات یا فرآیندهای جدید است (Eshet & Margalio, 2022). این دو مفهوم در کنار هم موجب پیشرفت‌های علمی و فناوری می‌شوند و نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کنند. طبق نظر مک‌کلاخ_لاول خلاقیت به اقدامات یا فرایندهای انسانی اشاره دارد که دارای نتایجی هستند که نوع جدیدی را نشان می‌دهند (McCulloch-Lovell, 2010). با وجود این، بایستی گفت تازه بودن به‌خودی‌خود ناکافی است و خلاق بودن، یک مفهوم چندوجهی است که نه تنها دارای عنصری از قصد یا اراده و یک مؤلفه واقعیت محور است - دال بر اینکه یک کنش خاص انسانی یا یک فرایند نهادی به صورت عامدانه منجر به چیز جدیدی می‌شود یا منجر به آن شده است - بلکه دارای یک مؤلفه ارزیابی نیز هست؛ زیرا معمولاً خلاقانه پنداشتن یک عمل یا یک فرایند، ارزیابی مثبت از فعالیت است. لازم به ذکر است که درک خلاقیت، آنچنانکه در اینجا مطرح شد، کاملاً فراتر از یک موقعیت روانشناختی است و مفهوم خلاق را در یک بافت رئالیستی اجتماعی قرار می‌دهد. چنین درکی، خلاقیت را از منظر رخدادهای و مصنوعات مطرح می‌کند و مستقل از هرگونه روابط روانشناختی است، هرچند ممکن است پدیده‌های روانشناختی نیز مؤثر باشند. این یک تأکید عامدانه است؛ زیرا ما را قادر می‌سازد ماهیت چندلایه خلاقیت مرتبط با یک نهاد اجتماعی پیچیده مانند دانشگاه را نمایان کنیم (Barnett, 2020). با این توصیف می‌توان بیان داشت خلاق بودن به فرآیندها، رویه‌ها، اهداف و اراده انسانی که به این فرایندها انرژی می‌بخشند مرتبط می‌گردد. به کلامی دیگر، مؤسسات خلاق از موقعیت‌هایی صحبت می‌کند که به استنباط جدیدی از وضعیت خویش در شرایط خاص خواهند رسید. از این رو هیچ چیز عجیبی در مورد مشاهده خلاقیت در کارها و فرآیندهایی که مؤسسات و انسان‌ها در آن‌ها به شدت دخیل هستند، وجود ندارد (Sawyer, 2010).

مفهوم دانشگاه خلاق به مؤسسه‌ای آموزشی اطلاق می‌شود که محیطی را فراهم می‌کند تا دانشجویان و پژوهشگران بتوانند ایده‌های جدید را تولید و به نوآوری‌های عملی دست یابند (Kearney et al., 2017). به کلامی دیگر، «دانشگاه خلاق» نیز اصطلاحی است که به تازگی به‌وسیله‌ی پژوهشگران حوزه آموزش عالی مطرح گشته است. به‌گونه‌ای که برخی بر این عقیده هستند که عصر دانشگاه خلاق شروع شده است و ایده دانشگاه خلاق واکنشی است به تغییرات اجتماعی که مستلزم شیوه‌های جدیدی برای مفهوم‌سازی، موردتوجه قرار دادن و اجرای آموزش و پژوهش در چارچوب دانشگاه‌ها هستند (Lund & Arndt, 2018). دانشگاه خلاق با تشویق تفکر انتقادی، کار گروهی و آزمایشگری در زمینه‌های مختلف، فضایی را ایجاد می‌کند که در آن افراد می‌توانند به راحتی ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند و به چالش بکشند. به زبانی دیگر، دانشگاه‌های خلاق معمولاً با صنعت و جامعه ارتباط نزدیکی دارند و از طریق پروژه‌های مشترک، نیازهای واقعی را شناسایی و پاسخ می‌دهند (Akpur, 2020). از این رو می‌توان استدعا کرد که پایداری و پویایی یک دانشگاه به میزان خلاقیت خود دانشگاه و نیروی انسانی موجود در آن وابسته است. بقای دانشگاه‌ها به توانایی آن‌ها در پاسخ به چالش‌های جدید و تغییرات محیطی بستگی دارد. در دنیای امروز، تغییرات سریع فناوری و نیازهای اجتماعی، دانشگاه‌ها را ملزم می‌کند که خلاقیت و نوآوری را در مرکز فعالیت‌های خود قرار دهند (Bessant Tidd, 2021). اگر دانشگاه‌ها نتوانند به این نیازها پاسخ دهند، احتمالاً با کاهش جذب دانشجو، کاهش بودجه و در نهایت افول مواجه خواهند شد. بنابراین، ایجاد یک فرهنگ خلاقانه و نوآورانه در دانشگاه‌ها نه تنها به ارتقاء کیفیت آموزش و پژوهش کمک می‌کند، بلکه



بقای آن‌ها را نیز تضمین می‌کند. در نتیجه، دانشگاه‌ها باید به عنوان مراکز پیشرفت اجتماعی و اقتصادی عمل کنند تا بتوانند در محیط رقابتی امروزی پایدار بمانند (Arán Filippetti & Krumm, 2020).

از منظر آینده‌نگری نیز برخی صاحب‌نظران، الگوی توسعه دانشگاه‌ها را یک الگوی تعاملی انگاشته و بر این عقیده هستند دانشگاه‌ها باید نسبت به نیازهای جامعه و دولت (حکومت) پاسخگو باشند (Farasatkah & Maniee, 2024). چنانچه نظام آموزش عالی از توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه در زمینه آموزش و تربیت نیروی انسانی، پژوهش و انجام خدمات مشاوره‌ای، امکان رشد و تعالی و انطباق با تحولات شگرف علمی - فناورانه و محیطی برخوردار باشد، در آن صورت به‌سان یک نظام پویا، کارآمد و اثربخش قادر به رقابت در عرصه‌های پر تحول امروز خواهد بود (Taghipour Zahir & Hassanmoradi, 2017)، در غیر این صورت دانشگاه منفعلی که قادر به حل مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی جامعه نباشد دانشگاه کیفی نبوده و به لحاظ شکلی یا کارکردی وجود مؤثر نخواهد داشت (Mehdi, 2015). به کلامی شعار «نابودی در انتظار شماست مگر اینکه خلاق و نوآور باشید» در پیش روی هر موجودیت و ارگانیسم زنده‌ای از جمله دانشگاه است. با تأمل بر تاریخ و اسامی دانشگاه‌های معتبر دنیا می‌توان اینگونه استنباط نمود که از دانشگاه‌های مطرح جهان در دو هزار سال گذشته تا زمان شکل‌گیری دانشگاه‌های مدرن در قرن ۱۲ میلادی، حتی بنای یادبود هم باقی نمانده است (Nørgård & Bengtson, 2018). این واقعیت گویای امکان تحولات وسیع دانشگاه‌ها تا حد اضمحلال و نابودی است. شواهد زیادی در این زمینه وجود دارد. برای ایرانیان اثری از دانشگاه بین‌المللی جندی (گندی) شاپور عصر ساسانی نمانده است. برای مردم مصر دانشگاه موزیوم اسکندریه مفهومی را تداعی نمی‌کند. مردم هند از دانشگاه تاکسیال و دانشگاه ویکراماسیال اثری نمی‌بینند. اثری از دانشگاه بیت‌الحکمه بغداد در زمان مأمون عباسی نیست. افزون بر آن، در دنیای معاصر برای دانشگاه‌های اروپایی که به الگوی همبولت متکی‌اند، جدایی آموزش و پژوهش، به منزله پایان حیات این دانشگاه‌هاست. دانشگاه‌های الگوی بولونیا نیز که به سبب فشار مالی لاجرم به پژوهش‌های سفارشی روی آورده‌اند، به نوعی پایان حیات خود را البته از نوع ماهیتی - تجربه می‌کنند. بر اساس شواهد مذکور، امکان زوال شکلی، فیزیکی، کارکردی یا ماهیتی دانشگاه‌ها وجود دارد (Mehdi, 2015). تجارب تاریخی بالا، شواهد و نتایج مطالعات آینده‌پژوهی آموزش عالی، حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین عوامل تداوم حیات اثربخش و سازنده نظام دانشگاهی تأمین الزامات و فراهم ساختن شرایط محیطی مطلوب است. و این امر جزء در سایه خلاقیت و نوآوری میسر نخواهد شد. فراهم کردن امکانات و شرایط محیطی مناسب برای دانشگاه، نقش اساسی در موفقیت و پایداری آن دارد. «تأمین الزامات و شرایط محیطی» برای تداوم حیات سرزنده دانشگاه می‌تواند فاکتورهای مختلفی را در بر داشته باشد (Eshet & Margaliot, 2022) که در زیر بدان‌ها اشاره خواهد شد:

- ساختمان و فضاهای فیزیکی. داشتن ساختمان‌های مناسب، کلاس‌های درس مجهز، آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌های به روز و کافی.
- تجهیزات و فناوری. دسترسی به اینترنت پرسرعت، کامپیوترهای مناسب، نرم‌افزارهای مورد نیاز برای آموزش و پژوهش.
- امنیت. ایجاد محیطی امن و آرام برای دانشجویان، اساتید و کارکنان.
- سلامت و بهداشت. فراهم کردن امکانات بهداشتی، دسترسی به خدمات پزشکی و ایجاد محیطی سالم و بهداشتی.
- موارد رفاهی. امکانات رفاهی مانند خوابگاه، غذاخوری، سالن ورزشی و ...
- محیط زیست. توجه به مسائل زیست محیطی و ایجاد محیطی پایدار.
- دسترسی‌پذیری. دسترسی آسان به دانشگاه از طریق حمل و نقل عمومی (Eshet & Margaliot, 2022).

در حقیقت، فرایندهای خلاقیت و نوآوری موضوعی غیرمنفک از دانشگاه بوده و برای دانشگاه‌ها حیاتی تلقی می‌گردد. دانشگاه‌هایی که خلاقیت و نوآوری را درون خود رشد نخواهند داد با خطر شکست مواجه گشته و غیر جذاب و نامطلوب پنداشته می‌شوند؛ بدین آیین به نظر



می‌رسد بهره‌مندی دانشگاه‌ها بستگی به توانایی رشد خلاقیت و مدیریت تغییر در تمامی سطوح (Weller, 2019). اما افزون بر مقوله‌های خلاقیت و نوآوری، که نقش حیاتی در پیشرفت و پویایی دانشگاه‌ها دارند، مجموعه‌ای از ضرورت‌های بایسته‌ی دیگری نیز برای الزامات دانشگاهی اساسی پنداشته می‌شوند. یکی از این موارد، توسعه‌ی زیرساخت‌های قوی و کارآمد است (Niemczyk & Rónay, 2023). این زیرساخت‌ها شامل ساختمان‌ها، آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و تجهیزات مدرن می‌شوند که محیطی مناسب برای یادگیری و تحقیق فراهم می‌کنند. بدون این زیرساخت‌ها، حتی با وجود خلاقیت و نوآوری، امکان پیاده‌سازی ایده‌های جدید و انجام پژوهش‌های پیشرفته محدود می‌شود. تأمین منابع مالی پایدار و کافی هم به مثابه جزء مهم پنداشته می‌شود. دانشگاه‌ها برای انجام فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و ارائه خدمات به دانشجویان و جامعه، نیازمند منابع مالی مستمر هستند. این منابع می‌توانند از طریق بودجه دولتی، درآمدهای حاصل از پژوهش‌ها، کمک‌های خیرین و شهریه‌های دانشجویی تأمین شوند. کمبود منابع مالی می‌تواند مانع از اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، جذب اساتید برجسته و ارائه خدمات با کیفیت به دانشجویان شود (Pidluzny et al., 2019). توسعه‌ی سرمایه انسانی متخصص و متعهد یکی از مهم‌ترین الزامات اساسی برای تقویت چرخه‌ی عملکردی دانشگاه‌ها است. به بیانی دیگر، دانشگاه‌ها نیازمند اساتید، پژوهشگران و کارکنان ماهر و با انگیزه هستند که بتوانند به ارتقای سطح علمی و پژوهشی دانشگاه کمک کنند. جذب و نگه‌داشت این افراد نیازمند ارائه حقوق و مزایای مناسب، فرصت‌های پیشرفت شغلی و ایجاد محیطی کاری مثبت و حمایتی است (Oruc, 2021). باید اضافه کرد که، توسعه‌ی برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای جامعه و بازار کار برای دانشگاهیان امری مهم پنداشته می‌شود. بدین معنا که دانشگاه‌ها باید برنامه‌های آموزشی خود را به‌روزرسانی کنند و مهارت‌های مورد نیاز فارغ‌التحصیلان را برای ورود به بازار کار فراهم کنند. این امر نیازمند همکاری نزدیک با صنعت و سایر بخش‌های جامعه برای شناسایی نیازها و طراحی برنامه‌های آموزشی متناسب است. در همین راستا حاکمیت (حکمرانی) خوب و مدیریت‌گرایی کارآمد یکی از عوامل کلیدی موفقیت دانشگاه‌ها به شمار می‌رود. دانشگاه‌ها نیازمند رهبرانی هستند که بتوانند با شفافیت، پاسخگویی و مشارکت ذینفعان مختلف، دانشگاه را به سوی اهداف خود هدایت کنند. مدیریت کارآمد منابع، تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شواهد و ایجاد محیطی سازمانی سالم و پویا از جمله وظایف اصلی مدیران دانشگاهی است (Pidluzny et al., 2020).

از سوی دیگر، دانشگاه یک نهاد اجتماعی بسیط است که احتمالاً ده‌ها هزار نفر در آن به صورت اجتماع مشغول به فعالیت هستند و در بسیاری از فعالیت‌های ناهمسو مشارکت می‌کنند به گونه‌ای که اصطلاحاتی مانند چند دانشگاهی و فردان دانشگاهی برای آن ارائه گشته است تا بخشی از ماهیت گسسته آن را پوشش دهد. به نظر می‌رسد دانشگاه از یکپارچگی یا وحدت هدف و ماهیت برخوردار نباشد که بتوان ایده خلاقیت را برای آن به کار برد. در مطلوب‌ترین وضعیت، اعضای آن هستند که خلاقیت آن‌ها ممکن است در دامان توجه باشند نه خود نهاد دانشگاه. بدین آیین، شاید می‌بایستی از همان ابتدا هرگونه جستجو برای دانشگاه خلاق را رها نمود (Alipour Hafezi, 2024). به عبارتی دیگر، این استدلال بارنت به چالش‌های اساسی در مفهوم‌سازی "دانشگاه خلاق" اشاره دارد. استدلال اصلی وی این است که دانشگاه به سان یک نهاد اجتماعی پیچیده و چندوجهی، از یکپارچگی و وحدت هدف برخوردار نیست، بنابراین ایده خلاقیت را نمی‌توان به کل نهاد نسبت داد. در عوض، خلاقیت بیشتر در سطح افراد و اعضای دانشگاه (دانشجویان، اساتید، پژوهشگران) تجلی می‌یابد و ممکن است در حوزه‌های خاصی مورد توجه قرار گیرد، نه در تمام ابعاد دانشگاه. همچنین بارنت تأکید می‌کند که برای ربط دادن این دیدگاه به مفهوم خلاقیت، باید مؤلفه خلاقیت فردی در مقابل خلاقیت سازمانی را در نظر گرفت. بارنت تأکید می‌کند که خلاقیت در سطح افراد درون دانشگاه وجود دارد. این بدان معناست که افراد می‌توانند ایده‌های جدیدی ارائه دهند، راه‌حل‌های نوآورانه‌ای برای مسائل پیدا کنند و در حوزه‌های تخصصی خود خلاق باشند. اما این خلاقیت فردی لزوماً به خلاقیت سازمانی یا خلاقیت در سطح کل دانشگاه منجر نمی‌شود (Barnet & Cavanagh, 1995). دانشگاه‌ها معمولاً دارای دپارتمان‌ها، دانشکده‌ها و مراکز مختلفی هستند که هر کدام اهداف و اولویت‌های خاص خود را دارند. این تنوع و ناهمگونی می‌تواند مانع



از یکپارچگی و هماهنگی در سطح کل دانشگاه شود و در نتیجه، پیاده‌سازی ایده‌های خلاقانه و نوآورانه را دشوار سازد. جدای از این مباحث، بارنت از اصطلاحات “چند دانشگاهی” و “فردانشگاهی” برای توصیف ماهیت گسسته و پراکنده دانشگاه استفاده می‌کند. این اصطلاحات نشان می‌دهند که دانشگاه یک نهاد واحد و یکپارچه نیست، بلکه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و حوزه‌های مختلف است که ممکن است ارتباط کمی با هم داشته باشند. این پراکندگی می‌تواند مانع از شکل‌گیری یک هویت خلاقانه واحد برای دانشگاه شود. افزون بر آن، بارنت پیشنهاد می‌کند که به جای جستجو برای “دانشگاه خلاق”، باید بر روی خلاقیت اعضای دانشگاه تمرکز کرد. این بدان معناست که دانشگاه باید محیطی را فراهم کند که افراد بتوانند ایده‌های خود را بیان کنند، از ریسک کردن نترسند و با یکدیگر همکاری کنند. در این صورت، خلاقیت به صورت خودجوش از درون دانشگاه شکوفا می‌شود، نه اینکه از بیرون به آن تحمیل شود (Barnett, 2015).

با این اوصاف باید اذعان داشت که ماهیت دانشگاه فریبندگی خاصی دارد. زمانیکه از دانشگاه صحبت می‌شود یا حتی به آن فکر می‌کنیم، ممکن است شفاف نباشد که مقصود ما از دانشگاه در مقام نهاد است یا ایده و این دو جنبه از دانشگاه بیه آن می‌رود با یکدیگر در تنش باشند. دانشگاه در مقام نهاد، از غالب ایده‌های معاصر درباره دانشگاه عقب یا پیشتر آن به شمار می‌رود. ممکن است اذعان شود که ایده‌های دانشگاه جلوه‌هایی از خلاقیت را بروز خواهند داد حتی در زمانیکه دانشگاه در مقام نهاد، رو به احتضار باشد. شاید ایده‌های رسمی دانشگاه با وجود نوآوری‌های زیاد عملی آن‌ها پویایی لازم را نداشته باشند (Wright & Greenwood, 2017). افزون بر این ممکن است دانشگاه در مقام نهادی استنباط گردد که نه تنها در عصر ابرپیچیدگی واقع گشته، بلکه خود نیز ابرپیچیدگی درهم تنیده‌ای دارد. ابرپیچیدگی چنان موقعیت درهم‌آمیخته‌ای است که هیچ وحدت نظری درباره ماهیت آن نمی‌توان استنباط نمود. مؤسساتی که نام دانشگاه را یدک می‌کشند، در کشورهای متنوع (توسعه‌یافته و درحال توسعه) در حال تکثر هستند (Robinson et al., 2018). ولی وقتی نوبت به ماهیت دانشگاه یا وظایف دانشگاه میرسد، مشکلات پیچیده‌تری نمایان تر می‌گردد. آیا دانشگاه می‌تواند نهادی عمومی انگاشته شود؟ آیا برای دانشگاه بودن نوعی وحدت نیاز است؟ آیا دانشگاه معیارهای همگانی و جامع بودن را داراست؟ آیا ایده دانشگاه با اندیشه جهانی و فراگیر بودن هم‌معنا است؟ آیا درکی جهانی از ذاتیاتی که به شکل بنیادین با دانشگاه‌ها درآمیخته شده، موجود است؟ تا چه حد معقولانه است که دانشگاه را برابر با نوعی نهاد بینگاریم یا ایده آن را به‌سان زندگی در قلمروهای منفصل تلقی کنیم که با هم به دشواری در تماس هستند؟ آیا مسئولیت‌های گسترده‌ای آشکارا بر گردن دانشگاه وجود دارد؟ آیا دانشگاه چنانکه بایسته است باید در پژوهش درگیر باشد یا دانشگاه آموزش‌محور، سازهای محتمل به شمار می‌رود؟ (Powell, 2007).

پرسش‌های بالا را بدون هیچ‌گونه چالشی می‌توان گستراند. این پرسش‌ها قابل درک هستند اما می‌توانند پاسخ‌های متنوع و حتی واکنش‌های به همراه داشته باشند. برخی برای مثال به دانشگاه‌های خصوصی رضایت می‌دهند درحالی‌که برای بسیاری دیگر دانشگاه ضرورتاً به عموم تعلق دارد و پدیده‌ای دولتی است. از نقطه‌نظرگاه‌های متنوعی، نهاد آموزش محور صرفاً قادر نخواهد بود الزامات عنوان دانشگاه را محقق سازد درحالی‌که برای بسیاری دیگر این امر طبیعی پنداشته می‌شود (Mahboobie & Toure, 2008). پرسش این است که رابطه میان این ملاحظات بازاندیشانه با ماهیت مسئله‌ساز دانشگاه از طرف و خلاقیت از طرف دیگر چه معنایی دارد؟ باید اذعان داشت هدف این تأملات بیان این اصل و اساس بوده است که دانشگاه مملو از چندگانگی می‌باشد. با وجود این موقعیت پیش‌آمده، فرصت‌های متنوعی در دانشگاه برای خلاقیت فراهم است. دانشگاه می‌تواند از جهات گوناگون و به شیوه‌های متنوعی خلاق باشد. می‌تواند سخت یا نرم باشد؛ درون یک حیطه خاص باشد یا از آن فراتر رود و حتی آن را در هم بشکند. از جمله تحقیقات داخلی که در این ارتباط می‌توان بدان اشاره کرد، پژوهش Davarpanah et al (2019) در تحقیق خود تحت عنوان واکاوی اشکال خلاقیت دانشگاهی و بسط مدل دانشگاه خلاق به مطالعه پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که ایده خلاقیت دست کم در پنج سطح از دانشگاه مؤثر است و تنها زمانی به طور کامل محقق می‌گردد که هر پنج سطح



تحقق یابد. این پنج سطح عبارت‌اند از: خلاقیت فکری، خلاقیت پداگوژیکی، خلاقیت یادگیری، خلاقیت محیطی و خلاقیت تأملی. (Davarpanah et al., 2021) یافته‌های تحقیق (Barnet (2020) در تحقیقی با عنوان به سوی دانشگاه خلاق: خلاقیت و فراتر از آن نشان داد که خلاقیت همواره یک موضوع شبکه‌ای است، اما این بازتاب باید گسترده‌تر شود تا حس نیروهای اجتماعی در حال تغییر اساسی را نیز دربر بگیرد. یکی از مهم‌ترین سطوح خلاق بودن دانشگاه، خلاقیت بازتابی دانشگاه، به‌عنوان مهم‌ترین سطح این نوع دانشگاه به شمار می‌رود. دانشگاه خلاق، به‌عنوان مجموعه‌ای از تعاملات بین افراد، ساختارهای نهادی و عاملیت بین مؤسسات آشکار می‌گردد به گونه‌ای که حتی با افزایش یافتن محدودیت‌ها برای دانشگاه، ممکن است فرصت‌های غنی‌تر و گسترده‌تری برای دانشگاه خلاق ایجاد گردد (Barnett, 2020).

بر اساس آنچه در بالا بیان شد، می‌توان گفت که تحول دانشگاه‌ها به سوی مدل‌های خلاق و نوآورانه، چالشی اساسی در نظام آموزش عالی امروزی است. درک دقیق مفهوم «دانشگاه خلاق» و چگونگی تحقق آن، نیازمند بررسی عمیق‌تر ادراکات و تجربیات ذی‌نفعان اصلی این فرآیند، یعنی اعضای هیئت علمی، می‌باشد. مطالعات پیشین اغلب به جنبه‌های ساختاری و سیاستی دانشگاه خلاق پرداخته‌اند و کمتر به عمق ادراکات و برداشت‌های اعضای هیئت علمی از مفاهیم و الزامات این مدل توجه کرده‌اند. این پژوهش با هدف بررسی کیفی این ادراکات، به دنبال پاسخ به این سؤال است که اعضای هیئت علمی چگونه دانشگاه خلاق و مؤلفه‌های آن را چگونه تعریف می‌کنند و چه راهبردها و فرصت‌هایی را در مسیر تحقق آن می‌بینند. توجه به این نکته ضروری است که دانشگاه خلاق صرفاً به معنی افزایش تعداد اختراعات و نوآوری‌ها نیست، بلکه تغییری بنیادین در فرهنگ، ساختار و فرآیندهای دانشگاه است. این مطالعه به دنبال شناسایی عوامل فرهنگی، ساختاری و فردی مؤثر بر ادراک اعضای هیئت علمی از دانشگاه خلاق و ارائه راهکارهایی عملی برای تسهیل این تحول بنیادین می‌باشد. درک دقیق‌تر این ادراکات، می‌تواند به طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های مؤثرتر برای تبدیل دانشگاه‌ها به مراکز پویا و خلاق، منجر شود. فراتر از این، این پژوهش به دنبال کشف مفاهیم پنهان و مقاومت‌های احتمالی در برابر تحول دانشگاهی به سمت خلاقیت و نوآوری است. بر این پایه، این مطالعه مبنای تحقیقات آتی در زمینه سنجش تأثیر راهکارهای پیشنهادی بر عملکرد و خلاقیت دانشگاه خواهد بود. در آینده، پژوهشگر به دنبال بررسی تأثیر یافته‌های این پژوهش بر سیاست‌گذاری و طرح برنامه‌های مداخله‌ای خواهد بود. اهمیت تحقیق حاضر به دلیل نیاز روزافزون جوامع در حال توسعه به خصوص کشور ایران، به نوآوری و حل مسائل پیچیده اجتماعی و اقتصادی است. در دنیای امروز که تغییرات سریع و پیشرفت‌های فناوری به یکی از ویژگی‌های بارز آن تبدیل شده، دانشگاه‌ها باید به سان مراکز تولید ایده‌های نو و راهکارهای خلاقانه عمل نمایند. این نوع دانشگاه‌ها با تربیت نیروی انسانی خلاق و کارکشته و کارآفرین، می‌توانند به توسعه پایدار و افزایش رقابت‌پذیری در سطح محلی، ملی و بین‌المللی کمک کنند. همچنین، دانشگاه خلاق با ایجاد ارتباطات مؤثر با صنعت و جامعه، می‌تواند به تجاری‌سازی ایده‌ها و فناوری‌ها کمک کند. در نتیجه، ضرورت ایجاد چنین دانشگاه‌هایی نه تنها در راستای ارتقاء کیفیت آموزش، بلکه برای پاسخگویی به نیازهای جامعه و بازار کار نیز احساس می‌گردد.

از این حیث، سؤالاتی که محققان در پژوهش حاضر بدان خواهند پرداخت به شرح زیر می‌باشد:

۱- از دیدگاه استادان دانشگاه کردستان، مؤلفه‌های دانشگاه خلاق شامل چه می‌باشد؟

۲- از دیدگاه استادان دانشگاه کردستان، راهبردهای توانمندسازی دانشگاه خلاق چه می‌باشد؟

روش پژوهش

الف- رویکرد و راهبرد تحقیق: از آنجایی که هدف این پژوهش کسب اطلاعات دقیق و غنی استادان از تدوین و ارائه مدل دانشگاه خلاق است، رویکرد تفسیری و کیفی مناسب‌ترین است. از این رو در پژوهش حاضر از راهبرد گراند تئوری ساخت‌گرای چارماز برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده به عمل آمد. بنای رویکرد ساخت‌گرا، بر «واقعیت‌های چندگانه» و «تفسیری» است. به این معنا که انسان‌ها از پیرامون خویش «ادراک،





فهم و تعبیر» متفاوتی دارند. دلیل استفاده از این راهبرد این بود که پژوهشگر در این رویکرد می‌بایستی در هر موقعیتی مشاهده می‌کرد که سوژه‌ها و عاملان انسانی و کنشگران و ذی‌نفعان در باب یک پدیده چه دیدگاهی دارند و پدیده موجود در یک زمینه خاص به صورت چندصدایی برحسب ادراکات و علائق و منافع و از منظرهای متنوع چگونه بازنمایی گردد (Charmaz, 2006).

ب- میدان تحقیق و شیوه نمونه‌گیری: میدان تحقیق حاضر دانشگاه دولتی کردستان در شهر سنندج بود. مشارکت‌کنندگان بالقوه این پژوهش اعضای هیئت علمی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه بودند. در نظریه داده‌بنیاد افرادی به عنوان نمونه در نظر گرفته می‌شوند که در فرایند یا اقدام مورد بررسی محقق مشارکت داشته باشند. در حقیقت هرچه افراد مورد مطالعه پراکنده‌تر باشند می‌توانند اطلاعات مفیدتری را از بستر فرایند مورد بررسی مهیا سازند و مقوله‌های غنی‌تری را فراهم آورند. از این رو، به شکل هدفمند از برخی از اعضای هیئت علمی دانشگاه برای مشارکت در پژوهش دعوت به عمل آمد. درباره حجم نمونه در مطالعات کیفی توافق عمومی وجود ندارد. در مجموع با رعایت اشباع نظری با ۱۳ نفر مصاحبه صورت گرفت که مشخصات جمعیت شناختی آنان، مدت، دفعات و شیوه مصاحبه‌ها در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱

اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	رشته تخصصی	رتبه استادی	سابقه خدمت	مدت‌زمان مصاحبه	شیوه مصاحبه
۱	مرد	جامعه‌شناسی	دانشیار	۱۵	۴۰	غیرحضور
۲	مرد	برنامه‌ریزی درسی	دانشیار	۱۴	۵۰	حضور
۳	مرد	علوم تربیتی	دانشیار	۱۶	۴۵	تلفنی
۴	مرد	تربیت بدنی	استاد	۲۷	۵۰	حضور
۵	مرد	مدیریت آموزش عالی	استادیار	۳۰	۴۷	حضور
۶	مرد	برنامه‌ریزی درسی	دانشیار	۲۹	۴۱	تلفنی
۷	مرد	برنامه‌ریزی آموزشی	استاد	۲۸	۵۰	حضور
۸	مرد	علوم تربیتی	استادیار	۲۸	۴۰	تلفنی
۹	مرد	حقوق	دانشیار	۱۲	۴۸	حضور
۱۰	مرد	روانشناسی	دانشیار	۱۴	۴۴	حضور
۱۱	مرد	مدیریت آموزشی	استاد	۱۹	۴۲	حضور
۱۲	مرد	علوم تربیتی	دانشیار	۲۲	۴۰	حضور
۱۳	مرد	فلسفه تعلیم و تربیت	دانشیار	۱۵	۴۶	غیرحضور

ج- ابزار گردآوری داده‌ها: با توجه به هدف این پژوهش، نیاز به دست‌یازی به داده‌های غنی در طی تعامل با شرکت‌کنندگان بود. بنابراین، از یک پروتکل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق استفاده گردید. مصاحبه‌ها تا رسیدن به مقوله اشباع نظری ادامه یافت. شرط رسیدن به مقوله اشباع نظری کدگذاری بدون تأخیر است. بدین معنا که محقق بعد از مصاحبه‌ای که انجام می‌گرفت بلافاصله کدگذاری مصاحبه موردنظر صورت می‌گرفت. مدت زمان هر مصاحبه از ۴۰ تا ۵۰ دقیقه بود. پیش از شروع، هدف مصاحبه و موضوع پژوهش به تمامی مصاحبه‌شوندگان ارائه گشت. پس از این مقدمه، با مصاحبه‌شوندگان هماهنگی لازم به عمل آمد تا مصاحبه آن‌ها ضبط گردد. محقق ابتدا با سؤالاتی خنثی مصاحبه را شروع نموده و سپس به سؤالات مهم‌تری پرداخته شد که سبب گردید مصاحبه‌شوندگان به طور مطلوب‌تر به سؤالات پاسخ دهند.



د- شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها: گراند تئوری چارماز، با تأکید بر رویکرد پارادایمی و پیروی از گراند تئوری اشتراوس کوربین، دارای سه مرحله اصلی برای فرآیند کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده است: (۱) کدگذاری باز، (۲) کدگذاری کانونی، و (۳) کدگذاری انتخابی. تفاوت گراند تئوری چارماز با سایر روش‌های نظریه‌پردازی داده‌بنیاد این است که از مقوله اصلی به طور مستقیم استفاده نمی‌کند، اما بر این ادعا تأکید می‌ورزد که دانش قبلی و دیدگاه غنی یک محقق می‌تواند در یک مطالعه تحقیقاتی قابل توجه باشد (Charmaz, 2006). از این حیث از شیوه کدبندی سه مرحله‌ای (باز، کانونی و انتخابی) جهت تحلیل داده‌های پژوهشی استفاده به عمل آمد. متن شفاهی مصاحبه‌ها بعد از ضبط شدن، در قالب فایل word پیاده‌سازی گردیدند و بعد از دو بار مطالعه مصاحبه‌ها، کدگذاری آن‌ها در دستور کار قرار گرفت. بعد از استخراج کدگذاری اولیه، در مرحله بعدی با کنترل و تقلیل کدهای زائد و تکراری، کدگذاری کانونی نیز انجام گرفت. در این مرحله زیرمجموعه‌ها به هم متصل گردیدند و مفاهیم درونی آن‌ها به دسته‌های بزرگ‌تر و متمرکزتر تبدیل گشتند. در نهایت از طریق این طبقه‌بندی‌های متمرکز بود که کدگذاری انتخابی آغاز در دستور کار قرار گرفت و محققان یک مؤلفه اصلی را به عنوان کدگزینه‌ی خویش انتخاب نمودند. به وسیله فرآیند کدگذاری انتخابی است، که توسط آن یک مقوله اصلی پدیدار می‌گردد، مفهوم‌سازی تئوری می‌تواند آغاز گردد و محقق قادر است هر گونه فرضی را که در ذهن می‌پروراند را تأیید نماید که به یک نظریه نهایی در باب موضوع پژوهشی آن‌ها کمک می‌کند (Charmaz & Bryant, 2010). در نهایت برای مدیریت داده‌های احصاء شده از نرم افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA بهره گرفته شد.

ه- اعتباربخشی داده‌های تحقیق: جهت معیارهای تأیید روایی و پایایی پژوهش کیفی از شاخص‌های اعتبار، قابلیت انتقال، قابل اعتماد بودن و تأیید استفاده به عمل آمد. متن مصاحبه‌های نوشتاری به صورت مکرر مورد واریسی قرار گرفت و پس از آن، از طریق ایمیل برای مشارکت‌کنندگان ارسال گردید تا آن‌ها تأیید نمایند که این همان گفته‌هایی است که ایشان در طول مصاحبه بیان نموده‌اند.

یافته‌ها

در این قسمت، ابتدا جداول کدگذاری هر کدام از سؤالات پژوهشی به ترتیب انجام گردید و سپس مقوله‌های اصلی هر کدام از سؤالات بر منبای کدهای اولیه حاصل از دیدگاه مشارکت‌کنندگان مورد تحلیل قرار گرفت. افزون بر آن جهت شفافیت تحلیل مقوله‌های محوری، از نقل قول مشارکت‌کنندگان متناسب با هر کدام از مقوله‌های محوری استفاده گردید. در ادامه هر کدام از سؤالات پژوهشی به ترتیب تحلیل می‌گردد.

سؤال اول پژوهش: مؤلفه‌های دانشگاه خلاق از دیدگاه استادان دانشگاه کردستان چه می‌باشد؟

جدول ۲

فرآیند کدگذاری مربوط به سؤال اول پژوهش

کدگذاری باز	کدگذاری کانونی	کدگذاری انتخابی
افزایش میل به انتخاب عقلانی و اجتماعی سیاست‌های علمی، مملو بودن محیط با جنبه‌های فرهنگی، رایج شدن فعالیت‌های اثربخش فرهنگی، تطبیق فضای دانشگاهی با فعالیت‌های فرهنگی اثربخش.	_چند ضلع بودن جو فرهنگی همگن _تجلیل ارزش‌های متنوع	پویایی فرهنگی
نظام نوین دانایی و معرفتی، دامن زدن به تحرک اجتماعی، نقد و روشنگری اجتماعی، پویا نگهداشتن تمدن، خلاق محوری و جسارت محوری، فراهم ساختن فضای آرامش‌بخش در دانشگاه، درنوردیدن قله‌های علم‌ورزی، استمرار نگرش تمدنی ایران اسلامی	_ساخت‌یابی مجدد جامعه _ساختن دانش و فکر مدرن	نگرش تمدن‌ساز





تغییر وضع ذهنی جامعه، ارائه سپهری عرفی برای ذهنیت اجتماعی، پرسش افکنی، حل مسائل بر مبنای گفتمان منطقی، تهییج و تقویت تفکرات سنجیده.	_افق‌گشایی و پی‌جویی حقیقت _خردگرایی فعالیت‌های دانشجویی	گفتمان عقل‌گرا و منطق‌گرا
توانمندسازی و ظرفیت‌ساز بودن دانشگاه، دارا بودن ماهیت حمایتی و تسهیل‌کننده، شکایت منظم دانش‌آموختگان دانشگاهی، اکتساب توانمندی‌ها و قابلیت‌های علمی.	_زمینه‌ساز توانمندی‌ها _محقق‌شدن آرزوهای دانشجویی	ظرفیت‌ساز آرزومندی
فرآهم ساختن فرصت و بستر برای هویت‌یابی دانشجویان، ارتباط دوستانه ولی جدی و معرفت‌ورزانه و انتقادی استاد با دانشجو، مولد اندیشه خلاق و اثرگذار، ترویج تعامل عاقلانه در دانشگاه، تقویت ذهن نقاد و فهم آزاد.	_توسعه اجتماع علمی، تخصصی و حرفه‌ای _عالمانه بودن دانشگاه	نشاط علمی
داشتن قاعده خودارزیابی و خودسنجی مداوم، داشتن موجودیتی مستقل درون جامعه، هویت آکادمیک و حرفه‌ای، تقویت خودفرمانی و خودراهبری، ارائه شواهد میان‌ذهنی برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، ارزشیابی ضابطه‌مند فعالیت‌ها.	_سنت تفکر، تحقیق و نقد منظم _سازوار بودن با هنجارها و روش‌های جهانی	خودتنظیمی و خودراهبری

با توجه به نتایج مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان، می‌توان به مؤلفه‌های اساسی دانشگاه خلاق اشاره نمود که در راستای ایجاد خلاقیت نیروی انسانی در همه ابعاد دانشگاهی در هر موقعیتی صورت گرفته است. همانگونه که در **جدول ۲** مشاهده می‌گردد ۱۳ کد کانونی و ۶ کد انتخابی از دل داده‌های پژوهشی احصاء گردید. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند مؤلفه‌های دانشگاه خلاق شامل پویایی فرهنگی، نگرش تمدن‌ساز، گفتمان عقل‌گرا و منطق‌گرا، ظرفیت‌ساز آرزومندی، نشاط علمی و خودتنظیمی و خودراهبری می‌باشد. از این رو در زیر به تحلیل هر کدام از این مؤلفه‌های پرداخته خواهد شد.

اولین مؤلفه دانشگاه خلاق از دیدگاه مشارکت‌کنندگان تحقیق پویایی فرهنگی بود که بدان اشاره نمودند. بر مبنای کدهای احصاء شده می‌توان اذعان داشت که مدیران دانشگاهی باید به این استنباط برسند که پویایی فرهنگی در متن کارها دانشگاه است و زمانی که این موضوع فهم گردید، می‌توان مدعی شد که دانشگاه ما به سمت خلاق بودن پیش می‌رود؛ اما اگر این موضوع ایجاد نگردد و کار فرهنگی به عنوان یک کار جنبی و بخشی نگریسته شود، نمی‌توان به دانشگاه خلاق امیدوار بود. این شاخصه به توانایی دانشگاه برای تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جامعه نیز اشاره که باید قادر باشد با تغییرات متنوع در فرهنگ و ارزش‌های جامعه همگام شود و خود را به‌روزرسانی کند. لذا این کار زمانی به ثمر خواهد نشست که برای پیوند دقیق علم و فرهنگ در محیط دانشگاه به دنبال استراتژی‌های بود که به ارزش‌های متنوع در محیط دانشگاهی میدان دهد، به عبارتی دیگر به دنبال خلق ضلع گوناگون فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه باشیم که مهارت‌محوری اعضای دانشگاهی را نیز تقویت نماید. در زیر مشارکت‌کننده زیر اینگونه بیان داشت: «*تجلیل ارزش‌های متنوع در دانشگاه و پی‌گیری و اجرای کارهای فرهنگی چه از سوی دانشجویان و استادان و کارکنان اداری نیاز به اجرا و پیاده‌سازی دارد، یعنی جای جای دانشگاه میتواند میدانی برای فعالیت فرهنگی باشد، خلاق بودن دانشگاه یعنی اینکه محیط و جو آن از همه لحاظ زمینه لازم برای فعالیت‌های فرهنگی را فراهم کرده است*» (م.ش.۴).

دومین مقوله نگرش تمدن‌ساز است که به‌عنوان ویژگی دانشگاه خلاق از دل داده‌ها احصاء گردید. دانشگاه تمدن‌ساز از دیدگاه مشارکت‌کنندگان دانشگاهی است که به چالش‌هایی نظیر چالش سنت و تجدد، چالش هویت، مساله اوقات فراغت، موضوع بهداشت روانی، مباحث قومی، زبانی و مذهبی، مساله جهانی شدن، چالش جامعه‌پذیری، مسائل زنان و... حساسیت نشان خواهد داد. از این رو دانشگاه خلاق با الهام از اسناد موجود و با دارا بودن انعطاف و با توجه به شرایط بومی می‌تواند قابلیت آن را داشته باشد که به دانشجویان و اساتید کمک کند

تا در فضای تعارض میان آموخته‌های دانشگاه، خانه، فرهنگ محلی و قومی با واقعیت‌های دانشگاه از حیث تنوع جریان‌های فکری، ذهنیت‌ها و دغدغه‌ها و با فراهم آمدن فضای آرامش‌بخش، دچار رنگ باختگی نگردد. مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که دانشگاه خلاق دانشگاهی است که می‌تواند نقش اصلی‌اش که تولید علم است را ایفا نماید و در دست‌یازیدن به علوم جدید و درنوردیدن قله‌های علم ممتاز باشد. در دانشگاه خلاق به عنوان، دانشگاه تمدن ساز اسلامی ایرانی استادان و پژوهشگرانی که در آن فعالیت می‌کنند علم را با نگاه به مبدا و غایت انسان خواهند نگریست. دانشگاه خلاق با قابلیت‌هایی که خواهد داشت میل به ارتباط با صنعت را در خود می‌پروراند و به این شکل دستاوردهای دانشگاه شکل عملیاتی پیدا می‌کند. مشارکت‌کننده زیر بدین شیوه اذعان نمود: «دانشگاهی که می‌خواهد خلاق باشد باید شرایطی ایجاد کند که دانشمندان/ش به ابزار تولید دسترسی داشته باشند. امروز تجهیزات آزمایشگاهی و تحقیقاتی دانشگاه‌ها فرسوده است اما اظهارات مسئولان نشان می‌دهد که دولت به این سمت می‌رود که دانشگاه‌ها تولیداتی قابل در عرصه ملی، منطقه‌ای و جهانی داشته باشند.» (م.ش. ۱).

همچنین مشارکت‌کننده بعدی اینگونه اذعان داشت: «پژوهشگران و دانشگاهیان نباید صرفاً به این بپردازند که این علم چه بود، چه هست و چه خواهد شد بلکه باید نگاهشان به علم و انسان این چنین باشد که علاوه بر این سؤالات با نگاه به مبدا علم و غایت آن به پژوهش بپردازند و در چنین شرایطی است که دانشگاه ما و مراکز پژوهشی ما می‌توانند خلاق و تمدن ساز باشند» (م.ش. ۳).

گفتمان عقل‌گرا و منطق‌گرا دیگر ویژگی دانشگاه خلاق بود که مشارکت‌کنندگان بدان اشاره داشتند. بر مبنای این مقوله، تمامی فعالیت‌های دانشگاه خلاق ضمن آنکه روحیه جامعه‌پذیری و فعالیت جمعی را ترویج می‌کند منطبق بر گفتمان عقل‌گرا و منطق‌گرا نیز می‌باشد. عقل‌گرایی در سراسر اجزای دانشگاهی که به سمت پرورش خلاقیت پیش می‌رود، از مدیریت و استاد و کارکنان گرفته تا دانشجویان و فعالیت‌های دانشجویی اعم از صنفی، سیاسی، علمی و فرهنگی نیز برای کمک به تقویت خلاقیت در دانشگاه بر مبنای عقل‌گرایی و منطق‌گرایی استوار گشته است. دانشگاه خلاق با توجه به این ویژگی بر مبنای تغییر وضع ذهنی جامعه، ارائه سپهری عرفی برای ذهنیت اجتماعی، پرسش‌افکنی، حل مسائل بر مبنای گفتمان منطقی و تهییج و تقویت تفکرات سنجیده به تحلیل و بحث درباره مسائل علمی، فرهنگی و اجتماعی دامن خواهد زد و با شکافتن حقیقت جویی به دنبال راهکار اساسی برای حل مسائل جامعه و دانشگاهی خواهد بود.

مشارکت‌کننده تحقیق در این راستا اینگونه اذعان داشت: «دانشگاه‌های که برچسب خلاقیت به خود می‌گیرند از این موضوع آگاهی دارند که هر مسئله و مشکلی را باید با سنجیده و از روی حساب و کتاب دقیق حل کرد، بر این اساس دانشگاه‌ها قواعد و گرامری که برای آن‌ها تعریف شده را به خوبی درک کرده و با زبانی نرم و شفاف به دنبال حل مشکلات درون و برون از خود خواهد بود.» (م.ش. ۵).

ظرفیت‌ساز آرزومندی به عنوان چهارمین ویژگی دانشگاه خلاق از دیدگاه مشارکت‌کنندگان تحقیق پنداشته شد. این ویژگی بیانگر این مسئله است که دانشگاه خلاق با انجام فعالیت‌های نوین و رضایت‌بخش، تبدیل به کارخانه یا عامل تولید رضایت‌بخشی در نظام اجتماعی می‌شود. ظرفیت آرزومندی اعضای دانشگاهی طی تجربه زیسته خود در چنین محیط خلاق دانشگاهیان توسعه می‌یابد و افزون بر آن راهکارها و فرصت‌های تحقق این آرزوها برای آن‌ها نیز مهیا می‌گردد. به کلامی دیگر، دانشگاهیان توانمندی‌ها و قابلیت‌های لازم و ضروری برای تحقق آرزوهایشان را در فرایند آموزش و زندگی دانشگاهی به دست می‌آورند. در چنین محیطی است که توانایی دانشگاه در خلق فضای سازوار برای رشد و توسعه استعدادها و ظرفیت‌های دانشجویان و اعضای هیئت علمی افزایش پیدا خواهد کرد و در فراهم ساختن شرایط ایده‌آل برای پرورش آرزوها، ایده‌ها و استعدادها و تبادل تجارب یاددهی و یادگیری مصمم است. گفتار مصاحبه‌شونده در این راستا بدین شکل است:

«در دانشگاه خلاق به دلیل جوی که حاکم می‌شود، دانشجویان، استادان می‌توانند عاشقانه و عارفانه به یادگیری و یاددهی بپردازند؛ چرا که چنین دانشگاهی مدام به دنبال این است به همه افراد انگیزه بدهد و آن آرزوهای بزرگی که در ذهن و قلبشان دارن را بتوانند برآورده بکنند، و به درسی که می‌خواهند ایمان بیاورند و در راه آن تلاش بکنند تا به اهدافشان برسند، مانند سربازی که همیشه برای دفاع از خاک وطنش



آماده باش هست ولی در عین حال جانش را برای کشورش فدا میکند، محیط دانشگاه خلاق نیروی انسانی را به سوی چنین وضعیتی سوق میدهد».

با توجه به دیدگاه مشارکت‌کنندگان تحقیق نشاط علمی به عنوان پنجمین ویژگی دانشگاه خلاق از دل داده‌ها احصاء گردید. این ویژگی بیانگر تحریک انگیزه و شور و شوق برای یادگیری و پژوهش، فراهم ساختن فرصت و بستر برای هویت‌یابی دانشجویان، ارتباط دوستانه ولی جدی و معرفت‌ورزانه و انتقادی استاد با دانشجو، مولد اندیشه خلاق و اثرگذار، ترویج تعامل عاقلانه در دانشگاه و تقویت ذهن نقاد و فهم آزاد است. این ویژگی‌ها به وسیله اساتید و دانشجویان و سایر افرادی که درگیر در کار آموزشی و پژوهشی هستند به اشتراک گذاشته می‌شود به گونه‌ای که اساتید و دانشجویان علم و دانش و مهارت‌آموزی را به عنوان یک آموزه هویت‌بخش، انسانی، عاشقانه، عارفانه و یک امر داوطلبانه و مدنی رد و بدل می‌کنند. افزون بر آن دانشگاه خلاق، برای تداوم این نشاط علمی از طریق برگزاری کنفرانس‌ها، سمینارها و ورکشاپ‌های علمی، فضای مناسبی برای تبادل ایده‌ها و افزایش دانش میان اعضای دانشگاهی فراهم می‌سازد. دانشگاه خلاق با دارا بودن نشاط علمی در پی تولید معنا، اندیشه، نقد و روشنگری اجتماعی است و این نقد و روشنگری اجتماعی به معنای کار سیاسی به معنای خاص کلمه نیست و نمی‌خواهد با این نوع فعالیت‌ها، به دنبال کسب رأی باشد. دیدگاه مشارکت‌کننده تحقیق درباره این مقوله بدین شکل است:

«خصوصیت دانشگاه خلاق اینگونه است که هیچگاه اجازه نمیدهد هویت و چیستی خودش که همان تراوش علم و دانش هست زیر سؤال برود یا کم‌اهمیت شود یا وضعیتی پیش آید که همه فراموش کنند دانشگاه جایگاه دانش‌اندوزی و خلق دانش است. افرادی که اداره دانشگاه خلاق را بر عهده دارند، پویایی دانش و علم و ورزشی درون دانشگاه را نگه خواهند داشت و اینچنین فکر میکنند که شادابی اعضای دانشگاهی در زمینه آموزشی و پژوهشی هست که به دانشگاه معنا میدهد.» (م.ش.۶).

بر این اساس دانشگاه خلاق، دانشگاهی است که دارای خصوصیات خودتنظیمی است. مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که چنین دانشگاهی بنا به سرشت ساختی و کارکردی‌اش به دنبال آن است که یک وضعیت «خودتنظیمی» و «خودراهبری» داشته باشد. این ویژگی دانشگاه خلاق سبب می‌گردد که چیستی و وظیفه دانشگاه دچار وضعیت دوقطبی نگردد و از حالت سیاست‌زدگی مطلق خارج گردد و با دارا بودن اختیارات بیشتری در راستای تحقق اهداف خویش گام بردارد. فعالیت‌های دانشگاه خلاق با تکیه بر این ویژگی، اساساً نه تهییج بلکه تحقیق، تعلیم، تحلیل و تبیین خواهد بود و به گونه‌ای روشمند و هدفمند و تا حد امکان بدون جانبداری و بی‌طرفانه عمل خواهد کرد؛ بدان معنا که دانشگاه خلاق معطوف به قدرت نیست و نمی‌خواهد قدرت را به دست گرفته یا مکان قدرت را تصرف کند؛ بلکه دانشگاهی «معطوف به آگاهی» است. بر اساس این مقوله می‌توان بیان داشت که کار دانشگاه جست‌وجوی حقیقت علمی و وفاداری بدان است. ویژگی خودتنظیمی و خودراهبری دانشگاه خلاق بیانگر این نکته نیز هست که دانشگاه اساساً ماشین نیست و نگاه کارخانه‌ای و ماشینی به محیط دانشگاهی از سوی جامعه را سلب خواهد نمود. مشارکت‌کننده زیر نیز بدین شیوه بیانات خویش را مطرح نمود:

«خلاق بودن دانشگاه این است که دانشگاه بر پایه توانمندی‌های که دارد اگر خود یا جامعه دچار مشکلی یا شود شد با ابزارهای علمی خود یعنی استادان در خصوص آن اظهار نظر بکنند و به دنبال راه حل باشد تا مشکل را حل کند، بدین شیوه که حل مشکل یا مسئله‌ای را خود زیر نظر دارد، آن را میسجد و با بهترین کیفیت و راهکار مسئله‌گشایی میکند، قاعده ویژه خود را دارد که براحتی به هیچ صنف و گروه خاصی اجازه دخالت در فعالیت‌های خود را نخواهد داد.» (م.ش.۷).

سؤال دوم پژوهش: راهبردهای توانمندسازی دانشگاه خلاق از دیدگاه استادان دانشگاه چه می‌باشد؟



جدول ۳

فرآیند کدگذاری مربوط به سؤال دوم پژوهش

کدگذاری باز	کدگذاری کانونی	کدگذاری انتخابی
تغییر در گروه‌های منزلت و سبک زندگی، انتقال دانش آزمون شده و معتبر به جامعه، بروز حداکثر خلاقیت اعضای دانشگاهی، تعریف دانشگاهی بودن و هویت دانشگاهی داشتن برای افراد، خلق انگیزش لازم برای استادان و دانشجویان، همگن‌سازی و استانداردسازی روش‌ها و ساختارها برای جذب افراد با قابلیت.	توجه وافر اعضای دانشگاهی به توانمندی	بایستگی کارکردی عاملیت
ارتباط قوی با دانشگاه‌های جهان، تقویت گفتگو و تعاملات علمی، دسترسی داشتن اندیشمندان به ابزار تولید علم، ایجاد شرایط آزاد رقابتی برای دانشگاه، درگیر ساختن دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و اتحادیه‌ها، فعال ساختن مجامع و انجمن‌های علمی.	بسط و تعمیق دانش متنوع جهانی	عضویت یافتن در جامعه بین‌المللی
فرآهم ساختن چگالی معرفتی، خلق کردن باشگاه اجتماعی، گفت‌وگو و همراهی با پیش‌ها و تغییرات جامعه، مدارا گری برای درک و فهم باور و ارزشهای دیگران، تقویت کردن مهارت‌های تفکر منصفانه.	کنشگری حرفه‌ای، فکری و مدنی	انجام تمرین مدنیت و گفت‌وگو
مشارکت در تصمیم‌سازی و سیاستگذاری عمومی-علمی به صورت نهادمند، زنده و فعال بودن دانشگاه در زمینه‌های متنوع، ایجاد تغییرات اساسی در بافتار و ساختار دانشگاه، نقش فعالانه دانشگاه در تغییرات مثبت جامعه.	درونی کردن هنجارهای علمی خود	ارجحیت کنشگری بر نظاره‌گری
عدم مبادله بودن ارزش دانش، تقویت دانشگاه به مثابه کسب‌وکار انتقادی، نطلبیدن شأن و منزلت از بیرون، عملیاتی شدن دستاوردهای دانشگاه، سرزنده نگاه‌داشتن دانشگاه برای انجام کارهای علمی به‌روز.	تولید شناخت تحلیلی درباره جهان طبیعی	تقویت حیات‌مندی دانشگاه
سرمایه‌گذاری بروی ارتباطات مراکز پژوهشی، تصویری شدن دانش، دیالوگ در باب ایده‌های ناپایدار، ممتاز بودن در تولید علوم جدید و درنوردیدن قله‌های علم، انتقال ایده و دانش فنی به جامعه.	تربیت شهروند مطیع	مجهز کردن به چرخه دانش
	پیوند دانشگاه با مصرف‌کنندگان	
	عمومی کردن علم	

همانگونه که در **جدول ۳** مشاهده می‌گردد ۱۲ کد کانونی و ۶ کد انتخابی از داده‌های پژوهشی احصاء گردید. مشارکت در ارتباط با این سؤال بر این عقیده بودند که مهم‌ترین استراتژی‌ها برای توانمندسازی دانشگاه خلاق می‌تواند بایستگی کارکردی عاملیت، عضویت یافتن در جامعه بین‌المللی، انجام تمرین مدنیت و گفتگو، ارجحیت کنشگری بر نظاره‌گری، تقویت حیات‌مندی دانشگاه و مجهز کردن به چرخه دانش باشد. در ادامه به توصیف هر یک از مقولات مذکور پرداخته خواهد شد.

اولین راهبرد توانمندسازی دانشگاه خلاق از دیدگاه مشارکت‌کنندگان تحقیق، بایستگی کارکردی عاملیت است. عاملیت عبارت است از توانایی‌ها، استعدادها، خواست‌ها و علایق فردی و اجتماعی که دانشجویان و استادان در دانشگاه واجد آن هستند. بر این اساس برای تقویت دانشگاه خلاق ضروری است ساختارهای آن متناسب با ظهور استعدادها و علایق دانشگاهیان همسو و سازوار گردد لذا برای تحقق این کارکردها و اهداف، لاجرم باید سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آموزشی، پژوهشی و پرورشی خود را بر «توانمندسازی نیروی انسانی»، «افزایش سرمایه انسانی»، «شکوفایی استعدادها»، «رشد قابلیت‌ها» و «افزایش بهره‌وری» از مجموعه نیروهایی که ما آن را انسانی می‌انگاریم، قرار دهند. به بیانی دیگر، ساختارها و سازمان‌های دانشگاهی و آموزش عالی باید در تمام زمینه‌های آموزشی (برنامه‌ریزی درسی)، پژوهشی (سیاستگذاری علمی) و





پرورشی (سیاست‌گذاری فرهنگی) باید به گونه‌ای طراحی گردد و قوام یابند که این ساختارها در مسیر خودشکوفایی و بروز خلاقیت‌ها، توسعه استعدادها و به طور کلی افزایش سرمایه انسانی جامعه باشند. و مهم‌تر اینکه در دانشگاه خلاق به مثابه یک سازمان خلاقه، ساختارها و سازمان‌ها باید به گونه‌ای طراحی گردد که بر مبنای توانایی‌ها، ارزش‌ها، استعدادها، قابلیت‌ها و مهم‌تر از همه «ایجاد امنیت» و «تامین آزادی‌های» لازم برای خودشکوفایی افراد باشند. در این راستا مصاحبه‌شونده زیر اینگونه بیان داشت:

«توانمندسازی دانشگاه خلاق باید بدین گونه باشد که ساختارهای آن بیشتر در خدمت خودشکوفایی و بروز خلاقیت‌ها، ایجاد امنیت و آزادی برای بیان، فراهم کردن تسهیلات برای بروز خلاقیت‌ها و ایجاد محیطی ترغیب‌کننده برای آموزش فکر و خلاقیت باشند، نه اینکه در خدمت هدف‌ها و آمال‌ها و ایده‌آل‌های غایی نیروهای بیرون از نظام دانشگاهی باشد.» (م.ش. ۵).

دومین راهبرد توانمندساز ساختن دانشگاه خلاق، عضویت یافتن در جامعه بین‌المللی است. مشارکت‌کنندگان تحقیق بر این باور بودند که توانمندسازی دانشگاه خلاق بستگی به این دارد که دانشگاه در زمینه اقتصادی، علمی و تولید بین‌المللی علم در حد مقبول برای تأثیرگذاری در فضای بین‌المللی عملکرد قابل قبولی داشته باشد. لذا خنثی‌سازی اثرات سیطره سیاست خارجی انزواگرایانه و تنش‌زا، سبب تقویت دانشگاه در محیط علمی بین‌المللی خواهد شد و سبب می‌گردد که در بسیاری از مجامع بین‌المللی عضویت پیدا کند و با دانشگاه‌های خارج از کشور ارتباطات و همگامی‌های علمی و بین‌المللی داشته باشد. همچنین با عملی‌ساختن امورات دیگری همچون شرایط آزاد رقابتی، ارتباط قوی با دانشگاه‌های جهان، تقویت گفتگو و تعاملات علمی، دسترسی داشتن اندیشمندان به ابزار تولید علم، درگیر ساختن خود دانشگاه‌ها، دانشگاهیان، اتحادیه‌ها، مجامع و انجمن‌های علمی و از طریق تعاملات دانشگاه‌ها با یکدیگر، جامعه و بازار کار و کم‌رنگ ساختن نظارت‌های بروکراتیک پرخرج و ناکارآمد می‌توان به سامان‌مندی دانشگاه در جوامع بین‌المللی کمک نمود. تأکید مشارکت‌کنندگان تحقیق بیشتر بر این بود که دانشگاه خلاق باید قادر باشد بازار منطقه را تصاحب نمایند تا رقابت‌پذیری جهانی در عرصه بازار را حفظ کنند. به ظهور رسیدن دانشگاه خلاق در جامعه بستگی به این دارد که در زمینه جذب دانشجویان و استادان بین‌المللی مطلوب عمل نماید و به صورت مطلق فرستنده یا صادرکننده نباشد بلکه گیرنده قهاری در عرصه بین‌المللی نیز باشد. دیدگاه مشارکت‌کننده تحقیق در این راستا بدین شکل است:

«طبیعتاً برای تبدیل شدن به چنین دانشگاهی باید نهایت خلاقیت و نبوغ رو جامعه دانشگاهی به نمایش بگذارد و به لحاظ جذب مشتریان علمی در مسیر صعود پیش برود، یعنی افرادی که قرار هست از کشورهای دیگر به دانشگاه‌های ایران بیان در نهایت با تحت تأثیر قرار گرفتن جو دانشگاهی با عشق و علاقه فعالیت کنند و بتوانند تأثیرات مثبتی بر دانشگاه مقصد داشته باشند، همچنین تجاری‌سازی دانش یعنی استفاده مفید از ایده‌های دانشگاهی و دارایی‌های فکری و تبدیل آن‌ها به محصولات ویژه برای رقابت‌پذیری دانشگاه خلاق در عرصه بین‌المللی مهم است.» (م.ش. ۱۱).

سومین راهکار برای توانمندسازی دانشگاه خلاق انجام تمرین مدنیت و گفتگو بود که با تکیه بر دیدگاه مشارکت‌کنندگان تحقیق از دل داده‌ها احصاء گردید. با توجه به این راهکار می‌توان بیان کرد که دانشگاه خلاق باید دارای ساختار و بافتاری باشد که در آن انسان‌ها تمرین و تکرار مدنیت و گفت‌وگو تا رسیدن به مرز عادت را تجربه نمایند. بر این اساس دانشگاه خلاق نباید تنها تولیدکننده مدرک باشد، بلکه باید بتواند به تربیت شهروندان مطیع و خودآگاه بپردازد، ارتباطات افراد را تصحیح نماید، به افراد اعم از دانشجو و استادان و کارمندان قدرت مواجه شدن و درگیر شدن با «مسئله» را بدهد. به کلامی دیگر دانشگاه خلاق، می‌بایستی به تربیت افراد «مسئله‌گریز» بپردازد و از همه مهم‌تر، دانشجویانی «مسئله‌شناس» را آموزش داده و تحویل جامعه دهد. به عبارتی دیگر، دانشگاه‌های خلاق در هر جامعه‌ای که باشد نباید خود را دچار توسعه پاندولی نماید، یعنی با تغییر دولت‌ها یا تغییر مدیریت‌ها به نقطه اول باز گردد، بلکه باید با سرمایه‌گذاری بر خلاقیت نیروی انسانی و کاشف و مخترع بار آوردن آن‌ها با مسیر خویش ادامه دهد و برای جامعه خیر عمومی ایجاد کند، بدان معنا که از دیدگاه بنگاه‌داری خویش و

کار کردن به سود خود دوری گزیده و با دیالوگ‌های متنوعی که در محیط خود حاکم می‌کند برای آینده این سرزمین دانش تولید کند. بر این اساس می‌توان پاسخگویی اجتماعی را در مسائل علمی دانشگاه خلاف تفتیش کرد. دیدگاه مشارکت‌کنندگان تحقیق در این راستا بدین شکل بیان داشتند:

«غرق شدن دانشگاه‌ها در مسائل جامعه و مشکلات اعم از وضعیت بازار، مشکلات فرهنگی، مفهوم طلاق، مرزها، تولید محصولات، جنگ، صلح و سایر مواردی که برای یک جامعه حیاتی است باید در نهادی به نام دانشگاه مدام مورد پی‌گیری و گفتگو باشد، نقد بشود و افزون بر نقد برای آن هم راهکار اصلاحی انجام داد، در دانشگاه خلاق اعضا سعی میکنند که خود را با این قضیه سوق دهند و عادت دهند که در قبال مسائل جامعه با دیدگاه علمی بتوانند چاره‌اندیشی کنند، این نیازمند فرهنگ‌سازی تمرین و گفتگوی بین همه افرا جامعه هست و باید این باور ایجاد گردد که نهادی بنام دانشگاه، آن هم دانشگاهی با قاعده خلاق بودن میتواند دردهای این جامعه را تسکین دهد.» (م.ش.۲).

چهارمین راهکار برای تقویت دانشگاه خلاق ارجحیت کنشگری بر نظاره‌گری آن است. بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان در عصر حاضر که عصر پساتحریم است برای گرویدن به دانشگاه خلاق بودن طلب می‌کند که کنشگر باشد، اما نه کنشگری الزامات سیاسی آنچنان که در دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰ بود، بلکه کنشگری سیاسی، نه پالیتیکیس، بلکه پالیسی. پالیتیکیس هدف را تعیین می‌کند، در دهلیزهای قدرت سیاسی، پالیسی نحوه رسیدن به هدف را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر دانشگاه خلاق در حوزه علوم انسانی باید در خدمت نقد قدرت باشد، نه خود قدرت. نقد قدرت به حوزه پالیتیکیس مرتبط است. برای خلاق بودن دانشگاه نباید سیاسی بود، بلکه باید در خدمت جامعه بود. از سوی دیگر، نظاره‌گری نیز اهمیت خود را دارد اما در دانشگاه خلاق، این ویژگی به مثابه ابزار کمک‌رسان برای بهبود کنشگری و ارتقاء عملکرد مورد استفاده قرار خواهد گرفت. به بیانی دیگر، نظاره‌گری می‌بایستی با هدف افزایش کارایی و بهبود فعالیت‌های کنشگران صورت بگیرد و به مثابه یک ابزار حمایتی برای تسهیل فرآیندهای کنشگری در دانشگاه خلاق عمل نماید. این مؤلفه به این نکته نیز اشاره دارد که برای خلاق شدن باید بر اقدامات و فعالیت‌های استادان و دانشجویان در راستای فعالیت‌های دانشگاهی و جامعه تمرکز کرد. مشارکت‌کننده تحقیق در این راستا اینگونه بیان نمود:

«لازم است دانشگاه‌ها به اعضای دانشگاهی این فرصت را بدهند که ایده‌های خود را عملی بکنند، یعنی هم دانشجویان و هم استادان به عنوان فعالان اصلی در فرایندهای آموزشی و پژوهشی شرکت کنند و خود دانشگاه باید به گونه‌ای رفتار بکنند که از تجربیات واقعی علمی و عملی آن‌ها بهره‌بردار و به نفع جامعه از آن‌ها استفاده بکنند، این اختیار را داشته باشد که نظریه و مسیرهای که برای حل مسائل پیدا میکنند را تا اجرایی شدن پی‌گیری بکنند، نمیشود که دانشگاه نصف راه طی بکند و از آن به بعد ارگانهای دیگر یا افرادی دیگر به اجرای ایده‌های دانشگاه بپردازند.» (م.ش.۴).

تقویت حیات‌مندی دانشگاه پنجمین راهکار برای ایجاد دانشگاه خلاق از دیدگاه مشارکت‌کنندگان بود. این مؤلفه به آن اشاره دارد که دانشگاه‌ها در حال حاضر در وضعیت مبهم قرار گرفته‌اند که برای رهایی‌بخشی از این وضعیت باید «کمک به زنده ماندن روح و حیات‌مندی نهاد دانشگاه» را در دستور کار قرار داد. از جمله لوازم اساسی آن هم این است که اختیارات را به دانشگاه بازگرداند و در اختیارات به دانشگاه فرصت آزمون و خطا دهد. بیماری و سلامت دانشگاه و سنجشگر سلامتی‌اش و درمانگر بدحالی آن وابسته به توسعه علمی و درگیر ساختن اعضا درباره فعالیت‌هایی است که به جامعه مرتبط است. برای تقویت حیات‌مندی دانشگاه ناپیستی آن را به بیماری مبتلا نمود، حیات‌مندی دانشگاه خلاق می‌تواند به نفع همگان باشد و به این اعتبار، دانشگاه خلاق، اقتصاد، سیاست و فرهنگ خلاق را نیز به دنبال خواهد داشت. زمانیکه توسعه علمی در قالب حیات‌مندی دانشگاه محقق گردد، ابعاد دیگر توسعه نیز به تدریج محقق خواهد شد. مشارکت‌کنندگان تحقیق بر این عقیده بودند که باید به ایجاد یک فضای آموزشی و پژوهشی اقدام کرد و این فضا تقویت نخواهد شد مگر اینکه بتواند انگیزه و علاقه‌مندی



دانشجویان و استادان را به کار علمی افزایش دهد و تشویق کند و علاوه بر آن فرآهم ساختن امکانات فنی و تجهیزات مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های خلاق و نوآورانه اقدام کرد. مشارکت‌کننده تحقیق در این راستا اینگونه بیان داشت:

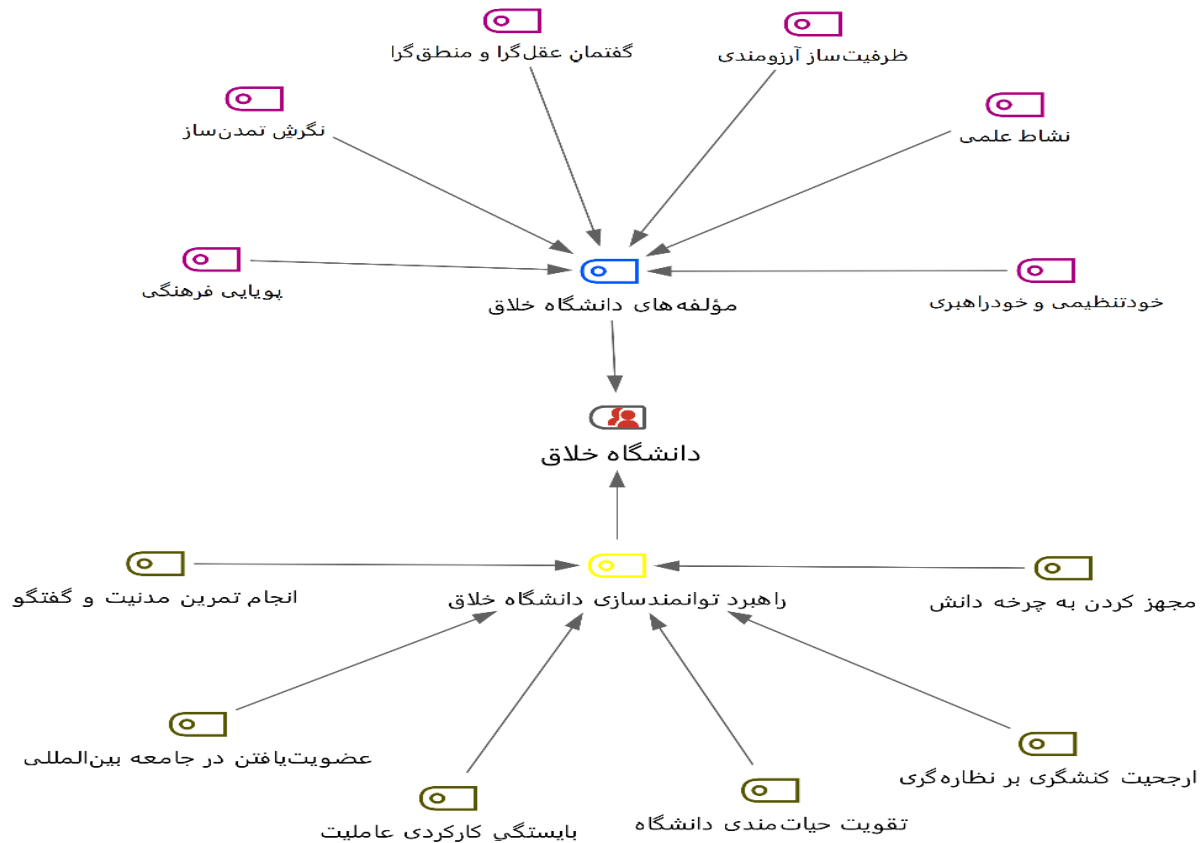
«با تقویت شدن جو دانشگاه خلاق و پیش راندن آن به سوی پویایی و خلاقیت سبب میشود که چنین دانشگاهی به یک مرکز برتر در زمینه پاسخگویی به نیازهای داخل و خارج و پژوهش و نوآوری تبدیل شود و در مقابل جامعه و صنعت خدمات مفیدی ارائه دهد، با شارژ کردن حیات دانشگاه خون در رگ‌های آن جریان پیدا میکند و تبادلات میان دانشگاه و صنعت و جامعه دو چندان تقویت میشود.» (م.ش. ۸).

آخرین راهکار بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان تحقیق مجهز کردن دانشگاه خلاق به چرخه دانش است. بر این اساس، باید دانشگاه‌های کشور را به صورت سیستم‌های خلاق و مولد تعریف کرد و تکیه خود را از «فرد» به «مؤسسه» و «سازمان» ارتقا داد. «چرخه دانش»، از کسی که دانش را به کار گرفته تا رسانه‌ای که آن را منتقل و سازمانی که مدیریتش می‌کند، را شامل می‌گردد. بنابراین براساس این ایده، برای داشتن دانشگاه فعال و خلاق باید به طرف «سیستم نوآوری» حرکت کرد و سیستم‌های دانشگاهی کشور را با مصرف‌کننده‌گانش یعنی جامعه، دستگاه‌های اداری، جهان دانش، محققان، دانشجویان، مردم و... پیوند داد. چرخه‌های دانش یک مدل آموزشی و پژوهشی است که بر اساس تعامل مستمر میان تحقیقات پایه و کاربردی، آموزش و صنعت به وجود خواهد آمد، این چرخه‌ها به دانشگاه خلاق این امکان را خواهند داد از تحولات به روز و مدرن در علم و فناوری نوین بهره‌برداری نمایند. در این راستا نیز مشارکت‌کننده زیر اینگونه اذعان داشت:

«فعالیت‌های یک دانشگاه به این بستگی دارد که چرخه‌های دانش آن همیشه پویا باشد و این پویایی چرخه‌ها به این بستگی دارد که دانشگاه باید رسالت اصلی خودش را بشناسد و مرتب و منظم در همان راستا حرکت کند دانش خلاق، دانشجویان خلاق، استادان خلاق، محیط خلاق، ساختمان‌های خلاق و تفکرات خلاق و ارتباطات و تبادلات خلاق هست که میتواند چرخه دانشگاه خلاق را سرپا نگهدارد، دانش جهانی و نوینی که بتواند در خدمت نیازهای جامعه باشد یعنی زمانی میتوان گفت دانشگاه خلاق چرخه‌های دانش آن تقویت شده است که جامعه را به نحوی تحت تأثیر قرار دهد که جامعه هم پذیرای دانش و اطلاعات جدید باشد و فقط به فکر وضعیت موجود نباشد، باید جامعه را هم تحت تأثیر قرار بدهد.» (م.ش. ۹).

شکل ۱

تصویر شماتیک مربوط به مؤلفه‌های دانشگاه خلاق و راهبردهای توانمندسازی آن با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA



نتیجه‌گیری

در این بخش ضمن تشریح کدهای انتخابی به دست‌آمده از طریق یک بحث تحلیلی (Hennink et al., 2020) چگونگی خلق و توسعه دانشگاه خلاق تشریح می‌گردد. سپس به تفسیر چشم‌اندازهای مشارکت‌کنندگان تحقیق خواهیم پرداخت. همچنین پژوهش حاضر در تلاش بود با بهره‌جستن از رویکرد ساخت‌گرا، مؤلفه‌های دانشگاه خلاق و راهبردهای توانمندسازی آن را مورد واریسی قرار دهد.

در ارتباط با سؤال اول پژوهش نتایج نشان داد که مؤلفه‌های دانشگاه خلاق شامل پویایی فرهنگی، نگرش تمدن‌ساز، گفتمان عقل‌گرا و منطق‌گرا، ظرفیت‌ساز آرزومندی، نشاط علمی و خودتنظیمی و خودراهنایی می‌باشد. یافته‌های این بخش با برآیندهای مطالعاتی Barnett (2020)، Pozon et al (2013) و Barnett (2018) همراستایی دارد (Barnett, 2018, 2020; Povzun et al., 2013). بر این اساس در زیر به تحلیل سؤال اول پژوهشی و مؤلفه‌های مربوط بدان پرداخته خواهد شد:

پرسش اول: از دیدگاه استادان دانشگاه کردستان، مؤلفه‌های دانشگاه خلاق شامل چه می‌باشد؟

با تحلیل جریان‌های فوق می‌توان بیان نمود که دانشگاه خلاق با تمرکز بر پویایی فرهنگی، به عنوان یک مؤلفه اساسی، به ارزش‌ها، باورها و رفتارهای فرهنگی که در جامعه دانشگاهی حاکم است، توجه ویژه‌ای دارد. این دانشگاه ترویج فرهنگ همکاری، احترام متقابل، تنوع فکری و



اندیشه‌های پویا، افزایش میل به انتخاب عقلانی و اجتماعی سیاست‌های علمی، مملو بودن محیط با جنبه‌های فرهنگی، رایج شدن فعالیت‌های اثربخش فرهنگی، تطبیق فضای دانشگاهی با فعالیت‌های فرهنگی اثربخش را به‌سان بستری برای رشد و توسعه استادان و دانشجویان خویش معرفی می‌نماید. گفتمان عقل‌گرا و منطق‌گرا نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم دانشگاه خلاق به ترویج تفکر منطقی، تحلیل کارآمد و استدلال قوی، تغییر وضع ذهنی جامعه، ارائه سپهری عرفی برای ذهنیت اجتماعی، پرسش‌افکنی، حل مسائل بر مبنای گفتمان منطقی و تهییج و تقویت تفکرات سنجیده تأکید می‌ورزد که اعضای دانشگاهی را به واری و بحث درباره مسائل پیچیده و نیازمحور جامعه و چالش‌برانگیز تشویق و تحریک می‌کند. ظرفیت‌ساز آرزومندی نیز به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بارز دانشگاه خلاق حاصل یافته‌های پژوهشی بود. با این تفسیر که این دانشگاه با تکیه بر توانمندسازی و ظرفیت‌ساز بودن دانشگاه، دارا بودن ماهیت حمایتی و تسهیل‌کننده، شکاکیت منظم دانش‌آموختگان دانشگاهی، اکتساب توانمندی‌ها و قابلیت‌های علمی، ارائه فضای آموزشی مناسب و انگیزش برای تعقل و خلاقیت، محیط خویش را به پذیرش چالش‌های نوین و پیگیری آرزوهای شخصی و حرفه‌ای آموزشی و پژوهشی به فعالیت‌های خویش می‌پردازد. نشاط علمی در دانشگاه خلاق به عنوان مولفه‌های حائز اهمیت شناخته می‌شود. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که دانشگاه خلاق با فراهم ساختن فرصت و بستر برای هویت‌یابی دانشجویان، ارتباط دوستانه ولی جدی اما توأم معرفت‌ورزانه و انتقادی استاد با دانشجو، مولد اندیشه خلاق و اثرگذار، ترویج تعامل عاقلانه در دانشگاه، تقویت ذهن نقاد و فهم آزاد شاداب‌پروری را به جو دانشگاهی خویش تزریق می‌کند. خودراهبری و خودتنظیمی نیز به‌عنوان آخرین مؤلفه کلیدی در دانشگاه خلاق از یافته‌های پژوهشی حاصل گردید. بدان معنا که چنین دانشگاهی با داشتن قاعده خودارزیابی و خودسنجی مداوم، داشتن موجودیتی مستقل درون جامعه، هویت آکادمیک و حرفه‌ای، تقویت خودفرمانی و خودراهبری، ارائه شواهد میان‌ذهنی برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، ارزشیابی ضابطه‌مند فعالیت‌ها به خودباوری و توانمندی دانشگاه برای مقابله با مشکلات و مسائل درون و برون‌سازمانی تأکید می‌ورزد.

همچنین در ارتباط با سؤال دوم پژوهش نتایج حاکی از آن بود که راهبردهای توانمندسازی دانشگاه خلاق از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه کردستان می‌تواند شامل بایستگی کارکردی عاملیت، عضویت‌یافتن در جامعه بین‌المللی، انجام تمرین مدنیت و گفتگو، ارجحیت کنشگری بر نظاره‌گری، تقویت حیات‌مندی دانشگاه، مجهز کردن به چرخه دانش استفاده باشد. نتایج این بخش نیز با یافته‌های مطالعاتی Barnett (2020)، Davarpanah et al (2019) و Mahboobie & Toure (2008) همسویی و همخوانی دارد (Barnett, 2020; Mahboobie & Toure, 2008; Davarpanah et al., 2021). بر این اساس در زیر به تحلیل سؤال دوم پژوهشی و مؤلفه‌های مربوط بدان پرداخته خواهد شد:

پرسش دوم: از دیدگاه استادان دانشگاه کردستان، چه راهبردهایی برای توانمندسازی یک دانشگاه خلاق وجود دارد؟

با تکیه بر دیدگاه شرکت‌کنندگان می‌توان اذعان داشت که بایستگی کارکردی عاملیت با فعال نگه‌داشتن اعضای دانشگاهی، ایجاد انگیزه و همراستا کردن سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آموزشی با نیازمندی‌های آن‌ها سبب می‌گردد با تلاش فزون‌تری تجربیات عملی و ارزشمندی را کسب نمایند. این راهبرد همچنین ویژگی‌هایی از جمله تغییر در گروه‌های منزلت و سبک زندگی، انتقال دانش آزمون شده و معتبر به جامعه، بروز حداکثر خلاقیت اعضای دانشگاهی، تعریف دانشگاهی بودن و هویت دانشگاهی داشتن برای افراد، خلق انگیزش لازم برای استادان و دانشجویان، همگن‌سازی روش‌ها و ساختارها برای جذب افراد با قابلیت را برای تقویت دانشگاه خلاق در بر می‌گیرد. برای تبدیل شدن به دانشگاه خلاق باید بیش از پیش در تلاش برای ترویج همکاری و تبادل و کسب تجارب و دانش متنوع بین‌المللی بود. لذا برای این امر می‌بایستی مقولاتی همچون ارتباط قوی با دانشگاه‌های جهان، تقویت گفتگو و تعاملات علمی، دسترسی داشتن اندیشمندان به ابزار تولید علم، ایجاد شرایط آزاد رقابتی برای دانشگاه، درگیر ساختن دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و اتحادیه‌ها و فعال ساختن مجامع و انجمن‌های علمی را در سیاست‌های



آموزشی دانشگاه‌های کشور گنجانند. مشارکت‌کنندگان به انجام تمرین مدنیت و گفتگو نیز بعنوان یک استراتژی توانمندسازی دانشگاه خلاف بدان اشاره کردند. غنی کردن دیالوگ‌های سازنده و مبتنی بر تفکرات کریکتیکال در راستای حل عالمانه مسائل جامعه مورد توجه این راهبرد است. همچنین با انجام ویژگی‌هایی همچون فراهم ساختن چگالی معرفتی، خلق کردن باشگاه اجتماعی، گفت‌وگو و همراهی با پوشش‌ها و تغییرات جامعه، مدارا گری برای درک و فهم باور و ارزشهای دیگران و تقویت کردن مهارت‌های تفکر منصفانه به پربرتر کردن بیشتر این راهبرد می‌توان کمک کرد. با راهبرد ارجحیت کنشگری بر نظاره‌گری نیز میتوان در راستای تبدیل به دانشگاه خلاق حرکت کرد. با این تفسیر که بتوان به نقش جامعه دانشگاهی را جامعه برای تحقق تغییرات مثبت فعال نمود. لذا برای این امر باید مشارکت در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری عمومی-علمی به صورت نهادمند، زنده و فعال بودن دانشگاه در زمینه‌های متنوع و ایجاد تغییرات اساسی در بافتار و ساختار دانشگاه به گونه‌ای اساسی اتفاق رخ دهد. همچنین مشارکت‌کنندگان از تقویت حیات‌مندی دانشگاه به سان راهبردی مهم اشاره داشتند که از طریق آن باید به ارائه فضای سرزنده و پویا برای انجام فعالیت‌های علمی به‌روز جهت رشد و توسعه فرهنگ، هنر و علم پرداخت، تا جامعه نیز در راستای پذیرش باورها و ارزش‌های جدیدتر قرار بگیرد. عدم مبادله بودن ارزش دانش، تقویت دانشگاه به مثابه کسب‌وکار انتقادی، نطلبیدن شأن و منزلت از بیرون و عملیاتی‌شدن دستاوردهای دانشگاه برای تحقق این مقوله ضروری است. مجهز کردن به چرخه دانش آخرین راهبرد توانمندسازی دانشگاه خلاق بود که شرکت‌کنندگان بدان اشاره داشتند. این راهبرد با انتقال ایده، ارزش، دانش فنی و فرآورده‌های پژوهش به بخش‌های مهم جامعه اشاره دارد که از طریق سرمایه‌گذاری بروی ارتباطات مراکز پژوهشی، تصویری شدن دانش، دیالوگ در باب ایده‌های ناپایدار و ممتاز بودن در تولید علوم جدید و درنوردیدن قله‌های علم انجام می‌گیرد.

پیشنهادها

پیشنهادهای سیاستی برای آموزش عالی ایران متناسب با مؤلفه‌های سؤال اول پژوهش

- ۱- پویایی فرهنگی: ایجاد و حمایت از فضاهای فرهنگی متنوع در دانشگاه‌ها، مانند انجمن‌های دانشجویی با زمینه‌های مختلف (هنری، ادبی، اجتماعی، علمی)، برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، دعوت از هنرمندان و اندیشمندان برای سخنرانی و کارگاه‌های آموزشی. این اقدامات باعث افزایش تعاملات فرهنگی بین دانشجویان، اساتید و جامعه می‌شود و به پویایی فرهنگی دانشگاه کمک می‌کند.
- ۲- نگرش تمدن‌ساز: گنجانیدن دروس و کارگاه‌های آموزشی مرتبط با تاریخ و تمدن ایران و جهان در برنامه‌های درسی، تشویق پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در حوزه‌های علوم انسانی و هنر، حمایت از پروژه‌هایی که به معرفی و حفظ میراث فرهنگی و تمدنی ایران می‌پردازند. هدف این سیاست، تقویت هویت ملی و فرهنگی دانشجویان و ایجاد نگرشی تمدن‌ساز در آن‌ها است.
- ۳- گفتمان عقل‌گرا و منطق‌گرا: ترویج تفکر انتقادی و مهارت‌های استدلال در بین دانشجویان، برگزاری مناظره‌ها و بحث‌های آزاد با موضوعات مختلف، تشویق مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری‌های دانشگاهی، ایجاد فرصت‌هایی برای تبادل نظر و گفت‌وگو بین دانشجویان و اساتید. این اقدامات به تقویت گفتمان عقل‌گرا و منطق‌گرا در دانشگاه کمک می‌کند.
- ۴- ظرفیت‌ساز آرزومندی: ارائه مشاوره‌های شغلی و تحصیلی به دانشجویان، برگزاری دوره‌های کارآفرینی و مهارت‌های نرم، ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان موفق، حمایت از ایده‌های نوآورانه و استارت‌آپ‌های دانشجویی. هدف این سیاست، افزایش انگیزه و اعتماد به نفس دانشجویان برای دستیابی به اهداف خود و ایجاد ظرفیت آرزومندی در آن‌ها است.



۵- نشاط علمی: افزایش بودجه پژوهشی دانشگاه‌ها، ایجاد فرصت‌های بیشتر برای شرکت دانشجویان و اساتید در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های علمی، حمایت از انتشار مقالات علمی در مجلات معتبر بین‌المللی، ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک بین دانشگاه‌ها و صنعت. این اقدامات به افزایش نشاط علمی و انگیزه برای تحقیق و پژوهش در دانشگاه کمک می‌کند.

۶- خودتنظیمی و خودراهبری: اعطای استقلال بیشتر به دانشگاه‌ها در تصمیم‌گیری‌های مالی و اداری، افزایش مشارکت دانشجویان و اساتید در مدیریت دانشگاه، ایجاد سازوکارهای شفاف و پاسخگو برای نظارت بر عملکرد دانشگاه‌ها، تشویق ابتکار و نوآوری در سطح دانشکده‌ها و دپارتمان‌ها. این سیاست به تقویت خودتنظیمی و خودراهبری در دانشگاه‌ها کمک می‌کند و باعث افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی می‌شود.

پیشنهاد‌های سیاستی برای آموزش عالی ایران متناسب با مؤلفه‌های سؤال دوم پژوهش

۱- بایستگی کارکردی عاملیت: بر این اساس دانشگاه نباید صرفاً به تولید دانش اکتفا کند، بلکه باید به دنبال کاربردی‌سازی دانش و حل مسائل جامعه باشد. ایجاد مراکز مشترک تحقیقاتی و توسعه‌ای (D&R) بین دانشگاه‌ها و صنایع مختلف. این مراکز می‌توانند بر روی پروژه‌های کاربردی متمرکز شوند و دانشجویان را در حل مسائل واقعی شرکت دهند. همچنین، می‌توان از طریق طرح‌های پژوهشی هدفمند، دانشگاه‌ها را به سمت همکاری با نهادهای دولتی و خصوصی برای حل چالش‌های ملی سوق داد. ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها باید علاوه بر تولیدات علمی، بر اساس میزان تاثیرگذاری در حل مسائل جامعه نیز صورت پذیرد.

۲- عضویت یافتن در جامعه بین‌المللی برای ایجاد ارتباط با دانشگاه‌های معتبر جهان و تبادل دانشجویان و اساتید: افزایش بودجه برای برنامه‌های تبادل دانشجویی و استادان با دانشگاه‌های برتر جهان. این شامل حمایت مالی از سفرهای علمی، برگزاری کنفرانس‌ها و کارگاه‌های مشترک، و ایجاد فرصت‌های همکاری پژوهشی بین‌المللی می‌شود. همچنین، تلاش برای جذب اساتید و پژوهشگران برجسته خارجی می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌های ایران کمک کند. توسعه زبان انگلیسی و مهارت‌های ارتباطی بین‌المللی در بین دانشجویان و اساتید نیز ضروری است.

۳- انجام تمرین مدنیت و گفت‌وگو به منظور فراهم آوردن فضایی برای گفتگوی آزاد و نقد سازنده: حمایت از تشکیل انجمن‌ها و گروه‌های دانشجویی مستقل و ایجاد فضاهای آزاد برای بحث و گفتگو در دانشگاه‌ها. ترویج آموزش مهارت‌های ارتباطی، مذاکره و حل تعارض می‌تواند به بهبود فرهنگ گفتگو در دانشگاه‌ها کمک کند. همچنین، حمایت از برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها با موضوعات مرتبط با دموکراسی، حقوق بشر و آزادی بیان می‌تواند به تقویت فرهنگ مدنی در دانشگاه‌ها کمک کند.

۴- ارجحیت کنشگری بر نظاره‌گری در راستای تشویق دانشجویان و اساتید به فعالیت‌های اجتماعی و تاثیرگذاری بر جامعه: طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی مرتبط با کنشگری اجتماعی و مهارت‌های مدیریتی. تشویق دانشجویان به شرکت در پروژه‌های اجتماعی و کارآموزی در سازمان‌های مردم‌نهاد و ارگان‌های دولتی. این به دانشجویان کمک می‌کند تا به طور عملی در حل مسائل جامعه مشارکت کنند. همچنین، می‌توان از طریق اعطای امتیاز در سیستم ارزشیابی تحصیلی، به دانشجویانی که در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی شرکت می‌کنند، پاداش داد.

۵- تقویت حیات‌مندی دانشگاه به منظور ایجاد محیطی پویا و جذاب برای دانشجویان و اساتید: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دانشگاهی، از جمله کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها، سالن‌های ورزشی و فضاهای فرهنگی. حمایت از فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی و تشویق تشکیل باشگاه‌ها و گروه‌های مختلف در حوزه‌های ورزشی، هنری و علمی. بهبود کیفیت زندگی اساتید از طریق افزایش حقوق و مزایا و فراهم آوردن امکانات رفاهی مناسب.

۶-مجهز کردن دانشگاه به چرخه دانش برای ایجاد ارتباط قوی بین تولید دانش، انتقال دانش و کاربرد دانش: ایجاد سیستم‌های قوی برای مدیریت و انتشار دانش تولید شده در دانشگاه‌ها. حمایت از نشریات علمی و پایگاه‌های داده دانشگاهی. تسهیل دسترسی دانشجویان و اساتید به منابع اطلاعاتی و فناوری جدید. همچنین، می‌توان از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی مرتبط با روش‌های جدید انتقال و کاربرد دانش، به دانشجویان و اساتید در این زمینه کمک کرد. حمایت از ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان نیز در این راستا موثر است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

در اینجا از تمام کسانی که نویسندگان را در انجام این تحقیق یاری نمودند، قدردانی می‌شود.

References

- Akpur, U. (2020). Critical, reflective, creative thinking and their reflections on academic achievement. *Thinking Skills and Creativity*, 37, 100683. <https://doi.org/10.1016/j.tsc.2020.100683>
- Alipour Hafezi, M. (2024). Expectations of upstream documents from the higher education system. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 30(2), 1-15. <https://doi.org/10.61838/KMAN.IRPHE.30.2.1>
- Arán Filippetti, V., & Krumm, G. (2020). A hierarchical model of cognitive flexibility in children: Extending the relationship between flexibility, creativity and academic achievement. *Child Neuropsychology*, 26(6), 770-800. <https://doi.org/10.1080/09297049.2019.1711034>
- Barnet, R. J., & Cavanagh, J. (1995). *Global dreams: Imperial corporations and the new world order*. Simon and Schuster. [https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=4ryLRPh3OzYC&oi=fnd&pg=PA13&dq=Barnet,+R.+J.+and+J.+Cavanagh+\(1995\).+Global+dreams:+Imperial+corporations+and+the+new+world+order,+Simon+and+Schuster.+%09&ots=fZv-8H2auf&sig=87gvhDjvUZZSbC9wmQ9HJqgZPW0](https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=4ryLRPh3OzYC&oi=fnd&pg=PA13&dq=Barnet,+R.+J.+and+J.+Cavanagh+(1995).+Global+dreams:+Imperial+corporations+and+the+new+world+order,+Simon+and+Schuster.+%09&ots=fZv-8H2auf&sig=87gvhDjvUZZSbC9wmQ9HJqgZPW0)
- Barnett, R. (2015, 28 April). Towards the Creative University. Buenos Aires.
- Barnett, R. (2018). *The ecological university: A feasible Utopia*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315194899>
- Barnett, R. (2020). Towards the creative university: Five forms of creativity and beyond. *Higher Education Quarterly*, 74(1), 5-18. <https://doi.org/10.1111/hequ.12231>
- Davarpanah, S. H., Hoveida, R., Barnett, R., & Jamshidian, A. (2021). Investigating the Forms of Academic Creativity and the Expanding the Model of Creative University. *Foundations of Education*, 10(2), 5-27. <https://doi.org/10.52547/johepal.2.3.30>
- Eshet, Y., & Margaliot, A. (2022). Does creative thinking contribute to the academic integrity of education students? *Frontiers in Psychology*, 13, 925195. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.925195>
- Farasatkah, M., & Maniee, R. (2024). Policy Researcher and Policymaker; An Investigation into Factors Affecting the Effectiveness of Policy Research in Governmental Science Policies in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 30(4), 21-39. <https://doi.org/10.61838/KMAN.IRPHE.30.4.2>
- Hennink, M., Hutter, I., & Bailey, A. (2020). *Qualitative Research Methods*. Sage Publication Limited. <https://doi.org/10.1007/s11135-023-01660-5>
- Kalar, B. (2020). The role of creativity in the context of academic entrepreneurship. *Creativity and Innovation Management*, 29(2), 254-267. <https://doi.org/10.1111/caim.12352>
- Lund, B., & Arndt, S. (2018). *The creative university: Contemporary responses to the changing role of the university*. Brill. <https://doi.org/10.1163/9789004384149>
- Mahboobie, T., & Toure, N. (2008). Pathology of Creativity and Innovation in the University. *Journal of Epistemological Studies in the Islamic University*, 1(12), 50-75. <https://doi.org/10.32350/jitc.131.16>
- McCulloch-Lovell, E. (2010). The creative campus: Practicing what we teach. Education in the creative economy,
- Means, A. (2013). Creativity and the bio political commons in secondary and higher education. *Policy Futures in Education*, 11(1), 47-58. <https://doi.org/10.2304/pfie.2013.11.1.47>
- Mehdi, R. (2015). The Future of Higher Education: Strategies and Consequences of University Adaptation to the Environment and Society. *Quarterly Journal of Management and Development Process*, 28(1), 31-54. https://edj.ajums.ac.ir/article_190253.html?lang=en
- Niemczyk, E. K., & Rónay, Z. (2023). Roles, requirements and autonomy of academic researchers. *Higher Education Quarterly*, 77(2), 327-341. <https://doi.org/10.1111/hequ.12403>
- Nørgård, R. T., & Bengtsen, S. S. (2018). *The world hood university: Design signatures & guild thinking The Thinking University*. Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-77667-5_12
- Oruc, A. (2021). Requirements for Productivity in the Academic Environment. *Higher education studies*, 11(4), 40-47. <https://doi.org/10.5539/hes.v11n4p40>



- Pidluzny, J., Urban, N., & Kempson, L. (2019). *What Will They Learn? A Survey of Core Requirements at Our Nation's Colleges and Universities, 2019-2020*. American Council of Trustees and Alumni. <https://eric.ed.gov/?id=ED602432>
- Pidluzny, J., Urban, N., Quillen, A., & Kempson, L. (2020). *What Will They Learn? A Survey of Core Requirements at Our Nation's Colleges and Universities, 2020-2021*. American Council of Trustees and Alumni. <https://eric.ed.gov/?id=ED616591>
- Povzun, V. D., Povzun, A. A., Apokin, V. V., & Ivanova, N. L. (2013). Psychological characteristics of student's creative potential and their changes in university educational environment. *Theory and Practice of Physical Culture*(9), 22. <https://cyberleninka.ru/article/n/psychological-characteristics-of-student-s-creative-potential-and-their-changes-in-university-educational-environment>
- Powell, J. (2007). Creative universities and their creative city-regions. *Industry and Higher Education*, 21(5), 323-335. <https://doi.org/10.5367/000000007782311867>
- Robinson, D., Schaap, B. M., & Avoseh, M. (2018). Emerging themes in creative higher education pedagogy. *Journal of Applied Research in Higher Education*, 10(3), 271-282. <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/JARHE-08-2017-0099/full/html>
- Sawyer, R. (2010). *Learning for creativity in: Nurturing creativity in the classroom*, RA Beghetto, JC Kaufman. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511781629>
- Taghipour Zahir, A., & Hassanmoradi, N. (2017). Developing the Entrepreneurial University Model. *Journal of Futures Management Studies*, 18(2), 31-40. https://www.researchgate.net/publication/226634238_The_development_of_an_entrepreneurial_university
- Weller, S. (2019). The ecological university: A feasible utopia. *Innovations in Education and Teaching International*, 56(1), 125-126. <https://doi.org/10.1080/14703297.2018.1554740>
- Wright, S., & Greenwood, D. J. (2017). Universities run for, by, and with the faculty, students and staff: Alternatives to the neoliberal destruction of higher education. *Learning and Teaching*, 10(1), 42-65. <https://doi.org/10.3167/latiss.2017.100104>